

نبرد خلق

کارگران جهان
متحد شوید

صفحه ۱۶

ارگان
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

قتل وحشیانه جوان ۲۳ ساله ،
علیرضا فرزانه فر ، به وسیله
پاسداران جنایتکار را محکوم
می کنیم.

شماره ۱۳۱ دوره چهارم سال دوازدهم - اول اردیبهشت ۱۳۷۵ NABARD - E - KHALGH No 131 . 20 April . 1996

بیانیه
سازمان چریکهای فدایی
خلق ایران
به مناسبت اول ماه مه

اول ماه مه را به همه کارگران جهان و به ویژه به طبقه کارگر ایران تبریک می گوئیم . صد و ده سال قبل در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ ، طبقه کارگر در شهر شیکاگو با شعار ۸ ساعت کار روزانه دست به یك اعتصاب گسترده زد . این اعتصاب توسط پلیس سرکوب شد از آن تاریخ تا کنون ، اول ماه مه به اشکال مختلف و تحت شرایط گوناگون ، توسط کارگران جهان جشن گرفته می شود .

طبقه کارگر ایران برای اولین بار اول ماه مه را در سال ۱۹۲۰ میلادی جشن گرفت . کارگران ایران در دوران سیاه دیکتاتوری رضا شاه زیر شدیدترین فشار و سرکوب قرار داشتند سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ که کارگران امکان مبارزه علنی پیدا کردند ، به صورت گسترده و سازمان یافته به مبارزه خود ابعاد تازه ای بخشیده و با شرکت در جنبش ملی شدن صنعت نفت و حمایت از دولت دکتر محمد مصدق ، تجربه گرانبهایی کسب کردند . کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سرکوب گسترده پس از آن ، مبارزه طبقه کارگر را در موضع دفاعی قرار داد . دیکتاتوری شاه ، سرکوب نیروهای سیاسی و فئودان پیشاهنگ و رهبری انقلابی ، مبارزه طبقه کارگر را هر چه بیشتر محدود نمود . با این حال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ، کارگران ایران به اشکال مختلف به مبارزه خود ادامه دادند . در اول ماه مه سال ۱۳۵۰ ، سه ماه پس از حماسه سیاهکل ، کارگران کارخانه جهان چیت تهران ، دست به یك حرکت اعتصابی گسترده زدند . دژخیمان و مزدوران رژیم شاه این حرکت کارگری را به خون کشیده و سه کارگر این کارخانه وجیه الله خشم افروز ، علی کارگر و حسین نیکوکار را به شهادت رسانیدند . در آن شرایط رژیم شاه در مقابل حرکت کارگری که با وجود جنبش پشستاز مسلحانه می توانست کیفیت

بقیه در صفحه ۲

رویدادهای سیاسی ماه
صفحه ۶

مروری به نحوه رسیدگی
سازمان ملل و ارگانهای
وابسته به آن به موضوع نقض
حقوق بشر در ایران

صفحه ۱۱

فرهنگ و هنر
یادای از مروچین سینما در ایران
صفحه ۸
معرفی فیلم
برلین - اولین محاکمه تروریسم ایران
صفحه ۷
دنیا خانه من است
سومین دوره جشنواره سینمای در تبعید
صفحه ۲

در رسانه های بین المللی
— صلح ممکن است

صفحه ۹

— ما باید تغییر جهت دهیم

صفحه ۹

— ایالات متحده

اسرار آتمی دوران جنگ سرد
را علنی می کند

صفحه ۱۰

اخبار و رویدادها

صفحه ۳

سرکوب تروریسم و بنیاد
گرایی در جهان

صفحه ۱۳

۲۱ سال
از جنایت بزرگ شاه گذشت

اولین موضع گیری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت شهادت رفقای فدایی بیژن جزئی ، حسن ظریفی ، مشعوف کلانتری ، عباس سورکی ، عزیز سمردی ، محمد چوپان زاده ، احمد جلیل افشار و مجاهدین خلق ، کاظم ذوالنور و مصطفی جوان خوشدل .

به مناسبت شهادت ۹ رزمنده راه آزادی و در بیست و یکمین سالگرد شهادت آنان ، اولین موضع گیری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به نقل از نبردخلق شماره ۶ (دوره اول - اردیبهشت ۱۳۵۴) را برای اطلاع خوانندگان نبردخلق چاپ می کنیم . عکسهایی که از قبرهای ۷ فدایی شهید چاپ شده ، توسط آقای محمد بهروزی از اعضای جامعه متخصصین التان در اختیار ما قرار گرفته است . با تشکر فراوان از ایشان ، لازم به توضیح است که پس از قیام بهمن ۵۷ ، وقتی محل به خاک سپردن شهدای جنبش علنی شد ، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای قبر شهدای فدایی ، یك سنگ قبر یكسان تهیه نمود و در روی آنها نصب کرد . اما مزدوران تبهکار رژیم جمهوری اسلامی ، وحشیانه به این سنگ قبرها حمله کرده و آنها را شکستند . عکسهایی که ملاحظه می کنید ، وضعیت پس از این عمل وحشیانه مزدوران خمینی که در واقع ادامه راه و روش رژیم شاه بوده است را نشان می دهد . لازم به توضیح است که در پایان اولین موضع گیری سازمان نوشته شده که مقاله "در باره وحدت و نقش استراتژیک چریکهای فدایی خلق ایران ، به یاد نویسنده شهید آن" رفیق بیژن جزئی به خوانندگان نبرد خلق تقدیم می شود" مقاله مزبور در نبردخلق شماره ۶ دوره اول - که یك ماه پس از شهادت این رفقا منتشر شد - به چاپ رسیده است و ما چاپ این مقاله را به فرصتی دیگر واگذار می کنیم .

در صفحه ۴ و ۵

اول ماه مه
روز جهانی کارگران گرامی باد

برای همبستگی با مبارزه کارگران ایران علیه ارتجاع
حاکم بر ایران

در جشن اول ماه مه شرکت کنید .
آمریکا ، لوس آنجلس

۵ مه ۱۹۹۶ ، ساعت ۵ بعد از ظهر

آدرس : اروین EMERALD BY A/ U.C.I
سخنرانی رفیق سعید کیوان ، موسیقی آمریکای لاتین

کانادا ، تورنتو

۲۸ آوریل ۱۹۹۶ ، ساعت ۵ بعد از ظهر

آدرس : WILKET CREEK PARK

سخنرانی رفیق اسد طاهری ، نمایش فیلم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران

بقیه از: صفحه اول

جدیدی پیدا کند، دست به یک عقب نشینی زد و روز اول ماه مه را به عنوان روز کارگر پذیرفت. طبقه کارگر به یک پیروزی دست یافت و توانست خواست برحق خود را به رژیم شاه تحمیل کند. کارگران ایران در ادامه مبارزه خود، در جنبش انقلابی ایران برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه، به طور فعال شرکت کردند و در شرایطی که دیکتاتوری شاه در آستانه سرنگونی قرار داشت، به سازماندهی خود مبادرت ورزیده و توانستند با اعتصابهای گسترده خود، نقش مهمی در سرنگونی دیکتاتوری سلطنتی ایفا کنند.

طبقه کارگر ایران که در دوران قیام موفق به ایجاد تشکلهای مستقل خود شده بود، بلافاصله پس از به قدرت رسیدن خمینی، مورد تعرض مرتجعین حاکم قرار گرفت. تشکلهای نوپای کارگری در ماههای اولیه پس از سرنگونی رژیم شاه، نتوانست به تشکلهای گسترده و مستحکم کارگری ارتقاء یافته و با اولین تعرضات ارتجاع از هم پاشیده شد. جمهوری اسلامی از طریق ایادی خود، مبادرت به ایجاد دسته جات سرکوبگر و ارتجاعی تحت عنوان "انجمنهای اسلامی کارگران" و "شورای اسلامی کار" در کارخانجات نمود. خانه کارگر که در ابتدا به وسیله فعالین جنبش کارگری و کارگران آگاه ایجاد شده بود، به وسیله ارتجاع حاکم مورد تعرض و سرانجام به اشغال کامل آنان درآمد. سازمانهای مدعی دفاع از منافع طبقه کارگر نیز به علت یک سلسله اندیشه های انحرافی و یا به علت فقدان تجربه عملی و یا به علت بحران داخلی خود، نتوانستند نقش مداخله گر در جنبش کارگری ایران ایفاء کنند. در این میان رهبری حزب توده با طرح شعار "مبارزه ضد امپریالیستی به عنوان جهت اصلی مبارزه کارگران" و "حمایت و تقویت جمهوری اسلامی" در کنار مرتجعین خط امامی، مبارزه ضد ارتجاعی کارگران ایران را با دستگاه "توطئه شمار" خود، در جهت اقدامات امپریالیستی برای "خرابکاری در تولید" ارزیابی می کرد. وقتی در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ تعرض گسترده ارتجاع به جبهه انقلاب شروع شد، طبقه کارگر ایران برای مقابله با این یورش گسترده، هیچگونه آمادگی، حتی برای یک مقاومت اولیه نداشت. کارخانه ها عرصه یک تازی مرتجعین شد و چرخ تولید در جهت جنگ ارتجاعی سازماندهی شد. مبارزه کارگران از یک مبارزه علنی، مسالمت آمیز و گسترده، به یک مقاومت مخفی، رادیکال و موضعی تبدیل شد. کارگران در مقابل سیاست جنگ و سرکوب رژیم و اقدامات سرکوبگرانه "انجمنها و شوراهای اسلامی" به مقاومت مخفی مبادرت ورزید. کارگران با عدم حمایت از سیاست جنگ افروزان رژیم نقش ارزنده ای در به شکست کشاندن نقشه توسعه طلبانه خمینی ایفاء کردند. پس از آن که خمینی مجبور به پذیرش آتش بس در جنگ ایران و عراق شد، کارگران، کارمندان و مزدبگیران ایران که بیشترین خسران را از جنگ ضد میهنی و ضد مردمی رژیم دیده بودند، این بار مورد تعرض جدید قرار گرفتند. اتخاذ سیاست "تعدیل اقتصادی" تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران را چندین برابر نمود. یک سال بعد از مرگ خمینی، قانون کار جمهوری اسلامی که سند خلع سلاح کارگران است، پس از مدتها کشمکش در درون باندهای رژیم، در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. در این قانون ضد کارگری، حق تشکل مستقل و حق اعتصاب از کارگران سلب شده و ولی فقیه حاکم بلامانع در حقوق کار اعلام می شود. با این حال همین قانون کار ارتجاعی، توسط دارودسته رفسنجانی - خامنه ای زیر پا گذاشته می

شود. کارگران هر روز از کار اخراج می شوند، کارخانه ها تعطیل و حقوق کارگران ماهها پرداخت نمی شود. تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران به طور روزمره افزایش می یابد و طبقه کارگر ایران بار سقوط اقتصادی کشور را به دوش می کشد. در حالی که در سال گذشته نرخ تورم به صد در صد رسید، حداقل حقوق کارگران برای سال جدید، فقط ۲۲ درصد افزایش یافت و این در حالیست که نقدینگی بخش خصوصی در سال ۱۳۷۴ به رقم نجومی ۷۳ هزار میلیارد ریال افزایش یافت. خلاصه کنیم. رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران ایران دستاوردی جز فقر و بی خانمانی نداشته است. افزایش سریع بیکاری، سقوط دستمزد کارگران و مزدبگیران، فقدان نهادهای لازم برای آموزش همگانی و بهداشت و درمان عمومی، فقدان بیمه های اجتماعی، کاهش بهره وری تولید، سقوط بی وقفه قدرت خرید کارگران و مصرف مواد غذایی لازم، تخریب جدی محیط زیست گسترش تبعیض جنسی، مذهبی و ملی و بالاخره جلوگیری از متشکل شدن کارگران و مزدبگیران کشور و درهم شکستن تشکلهای مستقل آنان. کارگران ایران در مقابل این یورشهای آشکار تسلیم نبوده اند. سازهای اخیر، جنبش کارگری ایران هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت رشد و ارتقاء یافته است. در سال گذشته شاهد حرکتهای کارگری گوناگون در کارخانه های کشور بوده ایم. کارگران ایران با اعتراض، کم کاری، تجمع، تحصن و سرانجام اعتصاب، به مرتجعین حاکم نشان داده اند که تسلیم سیاستهای ضد انسانی آنان نخواهند شد. صدها حرکت کارگری در سال گذشته اتفاق افتاده که دهها مورد آن اعتصاب گسترده بوده است. اعتصاب کارگران در کارخانه های رادیاتورسازی شهر صنعتی ساوه، چوب چوکا، جامکو در تهران، پارس آگزوس در تهران، تکنو صنایع در شهر ری، ریسندگی و بافندگی پروین در اصفهان، چوب اسلم در گیلان، آجرپزی تبریز، نساجی شماره یک مازندران، نساجی نازیوش در بندر انزلی، نساجی شماره یک قائمشهر، گروه صنعتی بنز خاور، چوب البرز در قزوین، ریسندگی و بافندگی خام بافت، ذوب آهن، ریسندگی و بافندگی سیمین، آجر عالی و پارس فاستون در اصفهان، بنیلود در نیشابور، کنسرو سازی بهشهر، پلی اکریل در ساوه، سیمان درود و... نمونه هایی از اعتراضها و اعتصابهای کارگريست که در سال گذشته در میهن ما اتفاق افتاده است.

با توجه به تشدید بحران اقتصادی و چشم انداز فقر و فلاکت عمومی که در مقابل مردم قرار دارد، پیش بینی می شود که سال آینده جنبش کارگری ایران، ابعاد گسترده تری پیدا خواهد کرد. بدیهی است که مبارزه طبقه کارگر ایران علیرغم هر افت و خیزی که داشته باشد، راهی جز ارتقاء آن در سطح یک مبارزه طبقاتی سازمان یافته برای کسب قدرت سیاسی و تحقق استقلال، صلح، دموکراسی و سوسیالیسم ندارد. اما مبارزه کارگران برای رسیدن به آن درجه از رشد و سازمان یافتگی احتیاج به وجود شرایط دموکراتیک دارد. بدون وجود یک شرایط دموکراتیک، سازمانیابی طبقه کارگر و ارتقاء آن در حد یک مبارزه سوسیالیستی غیر ممکن است. از این جهت است که هدف عمده مبارزه طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی، سرنگونی ارتجاع حاکم و استقرار جمهوری دموکراتیک و تحقق پلورالیسم سیاسی است. با تحقق چنین شرایطی کارگران می توانند آزادانه به تشکیل سندیکا، اتحادیه و شوراهای کارگری مستقل از دولت بپردازند و این تشکلهای مستقل کارگری در امر تولید و توزیع مداخله جدی داشته باشند. کنترل، نظارت و بازرسی، امر مشارکت طبقه کارگر

در مسائل مهم جامعه را تامین کرده و آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران را افزایش می دهد. طبقه کارگر در یک جامعه دموکراتیک از حق کار و تامین اجتماعی، از حق اعتصاب و اعتراض برخوردار است و می تواند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کند. ضرورت استقرار دولت دموکراتیک، یک امر حیاتی برای کارگران ایران است. طبقه کارگر و نیروهای پشتیبان آن، بیش از هر طبقه و نیروی اجتماعی دیگری مدافع دموکراسی بوده و از شرایط دموکراتیک بهره مند می شوند و طبعاً با هر گونه استبداد مخالف و از آن ضرر می بینند. طی یک قرن گذشته، به جز دورههای بسیار کوتاه، بورژوازی ایران و دولتهای دیکتاتوری سلطنتی و مذهبی هیچگاه به طور صریح حقوق دموکراتیک کارگران ایران را به رسمیت نشناخته اند. و بنابراین کارگران ایران در شرایط کنونی همسنگر، متحد و مدافع خود را مقاومت ایران که قاطعانه علیه ارتجاع حاکم و برای تحقق دموکراسی مبارزه می کند، می دانند. سازمان ما به مثابه سازمانی که برای تحقق سوسیالیسم به مثابه تنها راه رهایی طبقه کارگر مبارزه می کند و نیز به مثابه یکی از اجزاء مقاومت بزرگ مردم ایران وظیفه خود می داند در رابطه با جنبش کارگری ایران مواضع و رهنمودهای عملی خود را به اطلاع فعالان و رهبران عملی جنبش کارگری و نیز فعالین جنبش پیشتاز فدایی برساند. به نظر ما محدود کردن مبارزه کارگران به یک مبارزه اقتصادی، طبقه کارگر را از یک طبقه پیشتاز باز داشته و آن را به دنباله روی از جنبش خود به خودی می کشاند. این وظیفه عناصر آگاه و پیشرو کارگران و فعالین این جنبش است که همواره ناگزیر بودن مبارزه برای مداخله در امر سیاست را در بین کارگران تبلیغ و ترویج کنند. در شرایط کنونی که استبداد حاکم، به مبارزه اعتراضی و اعتصابی کارگران امکان گسترش و پیوستگی نمی دهد و در شرایطی که مبارزه کارگران در اشکال مختلف و در واحدهای مجزا، ادامه دارد، وظیفه عناصر فعال و پیشرو طبقه کارگر آنست که به ایجاد "هسته های مخفی مقاومت کارگری" مبادرت ورزیده و ضمن شرکت در مبارزه اقتصادی کارگران و گسترش این مبارزه و فعالیت برای کسب رهبری عملی آن، برای جهت دادن این مبارزه علیه ارتجاع حاکم و پیوند این مبارزه با مقاومت سازمان یافته و مسلحانه مردم ایران برای سرنگونی رژیم حاکم بکوشند. رژیم استبدادی و مذهبی حاکم بر میهن ما را تنها با فخر انقلابی سازمان یافته می توان سرنگون نمود. اما این مبارزه قهرآمیز، بدون پیوند تنگاتنگ و ارگانیک با جنبش اجتماعی مردم ایران نمی تواند به هدف خود دست یابد. وظیفه فعالین جنبش کارگری و عناصر پیشتاز این جنبش است که برای تحقق پیوند جنبش اجتماعی و جنبش سازمان یافته مسلحانه بکوشند. هر سیاست دیگر در رابطه با جنبش کارگری ایران یا ناکافی و یا انحرافی است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه فرارسیدن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران، با درود به همه ی کارگران ایران، با درود به همه ی کاکه سخت تحت شرایط حاکم بر میهن ما بهرگرانی که در مبارزه علیه رژیم جنایتکار ولایت فقیه به زندان افتاده و تحت آزار و شکنجه قرار گرفته اند و با گرمی داشت خاطره کارگرانی که در این مبارزه سرنوشت ساز به شهادت رسیده اند، از فعالین و پیشروان جنبش کارگری دعوت می کند که برای تسریع پروسه سرنگونی رژیم استبداد و مذهبی حاکم بر میهن ما و برای ایجاد ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک متحد و متشکل شوند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۳۰ / فروردین ۱۳۷۵

اخبار و رویدادها

اعتصاب رانندگان تاکسی و مینی بوس ملایر

گزارشهای رسیده از ایران حاکی از آن است که در پی بالا رفتن سرسام آور قیمت مایحتاج عمومی، از آغاز سال جدید، اعتراضات مردمی در سراسر کشور افزایش یافته است. به گزارش خبرگزاری ایران زمین طی روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ فروردین رانندگان تاکسی شهر ملایر، در اعتراض به افزایش قیمتها و به خصوص بنزین دست به اعتصاب سراسری زده و خواستار بالارفتن کرایه تاکسی شده اند. متعاقباً رانندگان مینی بوس خطوط ملایر - نهاوند و بروجرد - ملایر نیز اعتصاب کرده و خواهان بالارفتن کرایه مینی بوس شده اند. علیرغم دخالت مقامهای محلی، رانندگان تا روز ۲۰ فروردین به سرکار خود باز نگشته و در آن روزها فضای ملایر بسیار متشنج بوده است.

اعتراض دانشجویان

در تاریخ ۱۰ اسفند ماه سال قبل بیش از ۵۰۰ تن از دانشجویان مجتمع آموزش عالی رامین وابسته به دانشگاه چمران (در ۳۵ کیلومتری اهواز) در اعتراض به مشکل ایاب و ذهاب و کیفیت نامطلوب غذا از خوردن شام خودداری کردند. متعاقب این موضوع اعضای انجمن اسلامی و بسیج دانشگاه جهت خنثی کردن حرکت دانشجویان معترض وارد سالن غذاخوری می شوند و این مسئله باعث اعتراض شدیدتر دانشجویان معترض می گردد. مدیریت دانشگاه به دنبال بروز تشنج قول مساعد جهت رسیدگی به خواسته های آنها می دهد.

شکایت چغندرکاران اقلید

چغندرکاران شهرستان اقلید علیه مدیر عامل و مسئولان کارخانه قند چهارمحال بختیاری (وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان) دادخواستی تنظیم و به دادگاه عمومی تسلیم نموده اند. چغندرکاران در دادخواست خود موارد زیر را مطرح کرده اند:

- ۱- عمل نکردن به تعهدات در قرارداد
- ۲- فیمابین از سوی کارخانه
- ۳- محاسبه کمتر از عیار واقعی چغندر توسط کارخانه

- ۳- عدم تسویه حساب با کشاورزان
- ۴- عدم تهیه و تحویل کود شیمیایی و سم بین کشاورزان که منجر به ضرر و زیان آنان گردیده است. چغندرکاران در دادخواست خود مطرح کرده اند چنان چه تا پایان اردیبهشت ۷۵ نسبت به خواسته هایشان توجیهی نشود از تحویل چغندر به کارخانه های دولتی خودداری و در مقابل دادگستری اقدام به تحصن خواهند کرد.

باز هم اختلاس

مدیر عامل گمرک فرودگاه مهرآباد پس از سالها دزدی سرانجام به علت برملاشدن دزدیهایش و خروج کالا خارج از ضوابط و سیستم گمرکی و اعلام شکایتهای متعدد از سوی مردم علیه

وی در اسفند ماه سال ۷۴ دستگیر گردید. رژیم اخیراً طی بخشنامه ای به مطبوعات، ذکر اسامی مدیران دولتی که به دلیل دزدیهای کلان دستگیر می شوند را به استثناء مواردی که کتباً اعلام شود ممنوع کرده است.

اعتصاب کامیونداران و کفاشان اصفهان

دبیرخانه شورای ملی مقاومت در پاریس روز ۲۱ فروردین خبر اعتصاب کامیونداران اصفهان را پخش نمود. براساس این خبر کامیونداران اصفهان از اول فروردین در اعتراض به بالا رفتن قیمت گازوئیل و روغن موتور، دست به اعتصاب زده و از بارگیری در پایانه امیرکبیر (محل بارگیری) خودداری می نمایند. رانندگان خواهان مشخص شدن نرخ جدید حمل بار توسط اتحادیه کامیونداران می باشند زیرا کرایه فعلی پاسخگوی هزینه های آنان نمی باشد. چندی قبل نیز قیمت لاستیک کامیون بالا رفته بود. شب ۲۰ فروردین وزیر راه و ترابری رژیم اعلام کرد که ۲۰ درصد به قیمت حمل و نقل اضافه خواهد شد. ولی رانندگان این پیشنهاد را نپذیرفته و کماکان در اعتصاب به سر می برند. در یک تحول دیگر، روز ۱۵ فروردین مغازه داران بازار کفش فروشان اصفهان واقع در میدان نقش جهان این شهر دست به اعتصاب عمومی زدند. این اعتصاب در اعتراض به تعطیلی برخی از کفاشیهای اصفهان توسط سازمان ترمیمات حکومتی و حمایت از مغازه دارانی که کفاشی آنها تعطیل شده بود صورت گرفت. رژیم ملایان در وحشت از گسترش دامنه اعتصاب به سایر اقشار مردم اصفهان مجبور شد ممنوعیت ادامه کار کفاشیهای تعطیل شده را لغو کند.

سیل ما را غرق می کند

رادیو رژیم روز ۱۷ فروردین حرفهای آخوند جنتی در نماز جمعه تهران را پخش نمود. جنتی در بخشی از سخنان خود می گوید: "ما نسبت به الان خیلی نگران نیستیم. نگرانی ما نسبت به آینده است. جرعه هایی که می زند برای ما زنگ خطر است. و باید چشمتون را باز بکنید، ببینید، مبادا در خرمن بیفته این جرعه ها و این جرعه ها متأسفانه گاهی دیده می شود. یک عده ای مثل این که توجه ندارند... حالا باید این کار را بکنیم که سرچشمه است و با یک بیل می شه جلویش را گرفت و الا اگر از این مرحله گذشتیم دیگه پیداست که نمی تونیم جلوی سیل را بگیریم. سیل خود ما را هم غرق می کند. قاضی را هم غرقش می کند."

تحریم دور دوم نمایش انتخابات

اتلاف چهار حزب سیاسی داخل ایران با انتشار بیانیه بی در تهران زیر عنوان ضرورت خودداری از شرکت در دومین مرحله انتخابات نمایشی اظهار عقیده کرد که نخستین دور انتخابات نیز که یازده روز قبل از عید نوروز برگزار شد به رغم تهدیدها و تضمینهای سردمداران جمهوری اسلامی با پاسخ منفی و بی اعتنائی همگانی روبرو شد که آشکارا بیانگر ناخشنودی میلیونها ایرانی از شیوه های کاربردی نظام حاکم می باشد. رادیو اسرائیل در برنامه روز ۲۱ فروردین در بیانیه اتلاف چهار حزب به نامهای حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) و

جنبش برای آزادی ایران از جمله چنین آمده است: در شرایط جاری سرپای زندگی ملی ایرانیان در بحران و دشواری فرو رفته و پیوسته بر گستره نابسامانیها افزوده می شود و تلخ کامی زیاد و زیادتیر می گردد به گونه بی که ادامه آن به راستی خفت بار و رنج آور شده و مسئول همه کمبودها و نبودها، نظام حاکم است که دیربست جان مایه حکومت را از دست داده و تنها دلیل ماندگاری آن نگهداشت جو وحشت و کاربرد خشونت است. ائتلاف چهار حزب مزبور از مردم ایران خواسته در دومین مرحله انتخابات نیز خود را دور نگاه دارند تا به توصیف این بیانیه خودکامگان نشسته بر اریکه قدرت بیش از پیش رسوا شوند."

اعدام در ملاء عام

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۲۲ فروردین می نویسد که: "جمشید یداللهی فرزند منوچهر سارق مسلحی که به طور مکرر اقدام به سرقت، راهزنی، ایجاد رعب و وحشت و ناامنی و درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی می نمود به حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم و حکم صادره در ملاء عام در میدان قدس سروستان به اجرا درآمد و نامبرده به دار مجازات آویخته شد."

قتل علی رضا فرزانه فر

پنجشنبه شب ۲۳ فروردین جوانی ۲۳ ساله در منزلش واقع در خیابان هرمزان در شهرک غرب به مناسبت تولدش مهمانی داشته که ناگهان در ساعت ۱۰/۵ شب سه نفر از نیروهای انتظامی و یک نفر که لباس شخصی داشته بدون اجازه وارد خانه او می شوند و نسبت به صدای موسیقی اعتراض می کنند رادیو و بی بی سی در برنامه ۲۵ فروردین می گوید: به گفته شاهدان عینی تعدادی از پسرهایی که در مهمانی بودند مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. مأمورین سؤال می کنند که تولد کیست؟ علیرضا فرزانه فر جوان ۲۳ ساله بی که تولدش بوده خود را معرفی می کند. به گفته شاهدان عینی او را به اتاقش می برند و کتکش می زنند. سپس او را به زور روی بالکن منزل می برند و ناگهان جوانهای دیگر، صدای داد و فریاد می شنوند و لحظاتی بعد متوجه می شوند که دوستانشان از بالکن طبقه هیجدهم به پایین پرت شده و جان خود را از دست داده است. دبیرخانه شورای ملی مقاومت در پاریس روز ۲۴ فروردین اعلام نمود که: "بنا به گزارش شاهدان عینی، شب گذشته، پاسداران و عوامل سرکوبگر رژیم ملایان با هجوم به یک آپارتمان در غرب تهران ضمن ضرب و شتم ساکنان و میهمانان درمحل، یک جوان ۲۳ ساله به نام علی رضا فرزانه فر که تولدش را جشن گرفته بود از بالکن این آپارتمان که در طبقه هیجدهم قرار داشت به پایین پرتاب کردند که موجب مرگ فجیع وی گردید. پاسداران جنایتکار پس از ارتکاب این جنایت موحش از محل گریختند و جسد قربانی بی گناه تا چند ساعت بعد روی زمین باقی مانده بود. ارتکاب چنین جنایاتی توسط ملایان علیه مردم بی دفاع، که هر روز در ایران صورت می گیرد، آن روی سکه قتل مخالفان ایرانی در خارج کشور و پایکوبی به خاطر کشتار مردم بی گناه در جریان انفجارهای تروریستی است."

جنایت بزرگ شاه علیه جنبش نوین انقلابی ایران

مسلحانه ادامه دادند و بعداً با گروه مارکسیستی رفیق احمدزاده، سازمان چریکهای فدایی خلق را به وجود آوردند. رفقای دستگیر شده ی گروه جزئی نیز در زندان از طریق مبارزه، مقاومت، کار سیاسی و پژوهش علمی در باره ی مسائل انقلاب ایران به مبارزات پیگیر خود ادامه دادند. دو تن مجاهد دلیر، مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار نیز در جریان درگیری مسلحانه با مزدوران دشمن دستگیر و در بیدادگاه نظامی شاه به حبس ابد محکوم گردیدند.

پس از اعدام عباس شهرداری (اسلامی) جاسوس معروف سازمان امنیت به وسیله ی سازمان چریکهای فدایی خلق، رفقا جزئی، سورگی، ظریفی، سردمی، کلانتری، چوپانزاده و جلیل افشار را از زندانهای نقاط مختلف ایران مانند خرم آباد، بروجرد، رشت و غیره به تهران بازگرداندند و در زیر شکنجه های وحشیانه ی قرون وسطایی قرار دادند. آنها تصور می کردند که سازمان چریکهای فدایی خلق رد پای عباس شهرداری را از طریق این رفقا به دست آورده است و بدین جهت می خواستند با شکنجه از رفقا "اعتراف" بگیرند و چگونگی این کار را گویا "کسف" نمایند. رفقا تا آخرین روز حیات خود در زیر شکنجه بودند و دشمن امید داشت که بتواند به اصطلاح به "اسرار" مورد علاقه اش دست یابد. اما وقتی که از این کار مایوس شد، رفقا را وحشیانه به قل رسانید. از چگونگی شکنجه و قتل دو تن رفقای مجاهد نیز اطلاعی در دست نیست.

اعدام رفقا به وسیله ی جلادان شاه، از سویی نشان دهنده ی خشم دیوانه وار و انتقام جویانه رژیم مزدور در مقابل اعدام انقلابی عباس شهرداری، سرگرد نیک طبع شکنجه گر معروف و سروان بدالله نوروزی فرمانده گارد دانشگاه آریامهر، به وسیله سازمان چریکهای فدایی خلق و اعدام سرتیپ زندی پور به وسیله ی سازمان مجاهدین خلق و از سوی دیگر اعدام حساب شده ای است برای مقابله با جنبش نوین انقلابی خلق ما. رژیم که با کمال درماندگی ناظر رشد روزافزون قدرت چریکهای انقلابی است، از این وحشت داشت که چریکها برای آزاد کردن رفقای خود دست به اقدامی بزنند که او قادر به مقابله در برابر آن نباشد. بدین جهت تصمیم گرفت پیش از وقت رفقا را نابود سازد تا انجام این عمل غیرممکن گردد.

این نه اولین و نه آخرین جنایات رژیم کثیف شاه خائن است. تا زمانی که خلق ما به پیروزی نهایی دست یابد، رژیم هزارها و هزارها تن از فرزندان راستین خلق ما را خواهد کشت. کسانی که در راه مبارزه قدم می گذارند خود به این واقعیت آگاهی کامل دارند و با اشتیاق جان در کف در راه آرمان خود و خدمت به خلق به پیش می آیند. شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، بخش بسیار کوچکی از جنایات سهمگین رژیم شاه را تشکیل می دهد. هر لحظه ای از زندگی کارگران و دهقانان وطن ما شکنجه ای طاقت فرسا است که رژیم شاه بر پیکر نحیف آنها وارد می سازد. کسانی که این واقعیت را عمیقاً درک کرده اند با کمال میل از شکنجه و قتل فجیع برای جسم خویش استقبال می کنند تا قدمی در راه تجهیز انقلابی توده ها

نقل از نبرد خلق شماره ۶
اردیبهشت ۱۳۵۴

در روز ۱۳۵۴/۱/۳۰ روزنامه های مزدور رژیم اعلام کردند که ۹ نفر از زندانیان سیاسی ایران، بیژن جزئی، حسن ضیاء ظریفی، عزیز سردمی، عباس سورگی، مشعوف کلانتری نظری، مصطفی جوان خوشدل، کاظم ذوالانوار، محمد چوپانزاده و احمد جلیل افشار به هنگام فرار هدف گلوله ی مراقبان قرار گرفته و به قتل رسیده اند.

چهره رژیم برای خلق ما و نیروهای ترقی خواه جهان بسیار شناخته شده تر از آن است که چنین دروغ کثیفی مورد قبول آنها قرار گیرد، به ویژه این که ۹ نفر زندانیان یاد شده از برجسته ترین زندانیان سیاسی ایران بوده اند که همواره مورد احترام عمیق و ارجمندانی نیروهای آگاه و انقلابی قرار داشته اند و رژیم همواره از آنها وحشت داشته است. متأسفانه ما نمی دانیم که چگونه این عزیزان خلق ما را نابود ساخته اند، اما مسلم است که ادعای رژیم در این باره یک دروغ ردیالانه و در عین حال یک افسانه بافی احمقانه و مسخره پیش نیست.

دشمن اعلام کرده است که این زندانیان در حال انتقال از زندانی به زندان دیگر به وسیله ی اتوبوس بوده اند که تصمیم به فرار می گیرند و گویا دو تن از مرغبان خود را نیز زخمی می کنند و می گریزند. ولی بقیه ی مراقبان آنها را هدف گلوله قرار می دهند و همه را می کشتند. تمام کسانی که با وضع زندانها و شکنجه گاههای رژیم حتی آشنایی مختصری دارند، به خوبی می دانند که مزدوران رژیم اسرای سیاسی را اولاً با چشمان و دستان بسته و دوماً با مرغبان مسلسل به دست که تعداد آنان لاقلاً به اندازه تعداد اسرا است از زندانی به زندان دیگر می برند. به ویژه این که این رفقا از اسرای بوده اند که رژیم روی آنها حساسیت بسیار زیادی داشته و سخت از آنها دچار وحشت بوده. با توجه به این مسائل شکی باقی نمی ماند که افسانه ی فرار آنها دروغی بیشرمانه است و دشمن آنها را یا در زیر شکنجه های وحشیانه درخیمانش به قتل رسانده و یا دسته جمعی اعدام کرده است.

هفت تن از قربانیان یاد شده، رفیق بیژن جزئی، رفیق حسن ضیاء ظریفی، رفیق عزیز سردمی، رفیق عباس سورگی، رفیق محمد چوپانزاده، رفیق مشعوف کلانتری نظری و رفیق احمدجلیل افشار از اعضای وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق بوده اند و دو تن دیگر مجاهدان دلیر، مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران. هفت نفر رفقای وابسته به سازمان ما، در سال ۱۳۴۶ به خاطر فعالیت در گروهی که به "گروه جزئی" معروف شد، بازداشت و در بیدادگاههای شاه به حبس های سنگین محکوم گردیدند. گروه جزئی به ضرورت مبارزه مسلحانه در شرایط ایران رسیده بود و در جریان تدارک این کار بود که به وسیله ی پلیس کشف و اکثریت اعضای آن دستگیر گردیدند. رفقای باقیمانده گروه جزئی به تدارک برای مبارزه ی



جنایت بزرگ شاه علیه جنبش نوین انقلابی ایران

پناهندگان —

ملاقات با عضو پارلمان هلند
پیرامون وضعیت پناهجویان ایرانی و لزوم حمایت از آنها در تاریخ ۶ آوریل ۹۶ آقای محمود کرم زاده مسئول روابط عمومی انجمن فرهنگی نبرد در هلند با آقای Van Dijke عضو پارلمان (Tweede Kamer) و رئیس فراکسیون حزب RPF در پارلمان ملاقات نمود. در این ملاقات که بیش از ۲ ساعت به طول انجامید نماینده انجمن در هلند با ارائه اسناد و مدارکی در خصوص وضعیت عمومی حقوق بشر در ایران و به ویژه تاکید بر عدم دادرسی عادلانه و وجود قوانین و مجازاتهای قرون وسطایی به تشریح مجازات پناهجویان در صورت بازگشت به ایران پرداخت. وی با تاکید بر استحقاق ایرانیان به دریافت حق پناهندگی با نقد نظرات دادگستری هلند مبنی بر امن بودن نسبی ایران و امکان بازگرداندن جمعی از ایرانیان بدون انتظار خطر، بر لزوم حفاظت از پناهجویان و جلوگیری از اخراج آنها تاکید نمود. آقای Van Dijke نیز با طرح سؤالاتی و دریافت پاسخهای لازم قول داد موضوع را با همکاران خود در پارلمان مطرح و نظر دادگستری را در این خصوص جویا شود.

اکسیون اعتراضی پناهجویان در هلند

— رامین کیوان شکوه
در تاریخ ۱۹ مارس ۹۶ به دعوت سازمان جوانان حزب سبزهای چپ و تشکیل کمیته ای مرکب از سازمان جوانان احزاب دموکرات ۶۶ و سوسیال دموکرات هلند اکسیون اعتراضی با عنوان جلوگیری از بازگرداندن نزد دیکتاتورها در حمایت و در اعتراض به اخراج پناهجویان ایرانی صورت گرفت. در این اکسیون که جمعی از پناهجویان ایرانی به همراه مردم هلند شرکت داشتند. انجمن فرهنگی نبرد با ارسال یک پیام و شرکت در این اکسیون از این حرکت پشتیبانی نمود.

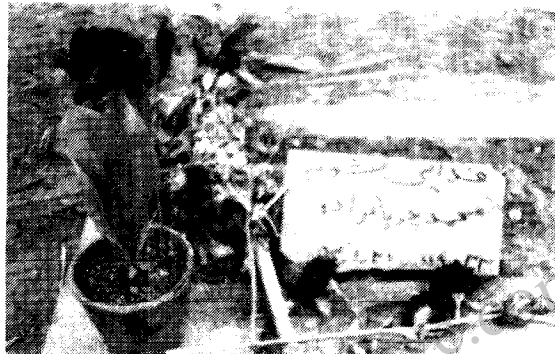
پناهنگی در فرانسه

هفته نامه اکسپرس در شماره ۱۶/فروردین/۷۵ خود می نویسد "در کشور ما آمارها گول زنده هستند. اگر در سال ۱۹۹۵، در فرانسه از ۲۸۹۰۰ درخواست پناهندگی، ۴۸۰۰ مورد آن پذیرفته شده، در سال ۱۹۹۰، از ۸۷۳۰۰ درخواست، ۱۳۵۰۰ مورد آن مورد قبول واقع شده است. اولین قربانیان این وضعیت، پناهندگان الجزایری هستند."

رشد نژادپرستی در فرانسه

ملل متحد در یک گزارش ویژه اوج گیری احساسات نژادپرستانه و بیگانه ستیزی در فرانسه را به طور شدیدی محکوم کرد. رادیو فرانسه در برنامه ۲۳ فروردین می گوید سازمان ملل متحد در گزارش خود که توسط نماینده ویژه این سازمان تهیه شده، گفته است، یک موج بیگانه ستیزی و نژادپرستانه، تصویر فرانسه را به عنوان مهد آزادی و حقوق بشر لکه دار کرده است. طبق تحقیقات گزارشگر سازمان ملل متحد مسایلی که خارجیان مقیم فرانسه با آن مواجه هستند با وضع قوانین تازه در سال ۹۳ توسط شارل پاسکوا، وزیر کشور اسبق فرانسه، به مراتب به مسایل وخیمتری تبدیل شده اند. ملل متحد از دولت فرانسه خواست که در قوانین شارل پاسکوا تجدید نظر کند و قوانین انسانی تری وضع نماید. *****

می فرستاد و ما آن را در سطحی محدود تکثیر و در اختیار اعضا و طرفداران سازمان قرار می دادیم. بسیاری از این آثار در "نشریه تیئوریک ۱۹ بهمن" در خارج از کشور نیز به چاپ رسیده است. این آثار از بهترین کتابهای آموزش تیئوریک رفقای سازمان بود. در این آثار با واقع بینی و آگاهی عمیق مارکسیست - لنینیستی، اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران تشریح شده است و برای مبارزه رهنمودهای ارزنده ای ارائه گردیده، این آثار تا حال حاضر، بهترین نمونه های تیئوری انتیفاقی مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط ایران است. رفیق جزئی در آثار خود، در برخی موارد معدود، به علت شرایط زندان و محدودبودن ارتباطش با سازمان شایعات یا نمونه های عینی محدودی را که در اختیار داشت، تمیم می داد. این موارد بیشتر در مورد مسائل داخل جنبش پیش می آمد. در چنین مواردی سازمان نظرات خود را برای رفیق می فرستاد و او نیز آنها را در تصحیح بعدی آثار خود تاثیر می داد. لازم به یادآوری است که این گونه مطالب در نوشته های ارزنده و گرانقدر رفیق جزئی بسیار ناچیز است و در اغلب موارد هم به وسیله ی خود او تصحیح شده است، مگر در مواردی که امکان ارتباط و تبادل نظر با سازمان برای او مهیا نشده.



پس از شهادت رفیق جزئی، سازمان چریکهای فدایی خلق تصمیم به انتشار مجموعه ی آثار او گرفت و اکنون واحدهای انتشاراتی سازمان در جهت تدارک این کار هستند. در اینجا ما یکی از آثار کوچک ولی پر اهمیت رفیق جزئی را که در باره ی وحدت نیروهای انقلابی است به دنبال این مطلب درج می کنیم. باشد که زودتر موفق شویم آثار ارزنده و گرانقدر دیگر رفیق را در اختیار انقلابیون ایران قرار دهیم.

مقاله ای که خواهد آمد "در باره ی وحدت و نقش استراتژیک چریکهای فدایی خلق" نام دارد. رفیق در این اثر تحلیل هایی کرده و پیشنهادهایی داده که می تواند مورد بحث و اظهار نظرهای گوناگون قرار گیرد. قبل از این که عین مطالب را بیاوریم ذکر نکته ای ضرورت دارد و آن این که رفیق جزئی در نوشته های خود، به جای "چریکهای فدایی خلق" ضمیر آنها را می گذارد. این صرفاً یک ملاحظه ای امنیتی است، زیرا بارها نوشته های رفیق به دست پلیس افتاده یا پس از خروج از زندان و تکثیر، پلیس از هویت نویسنده ی آن با خبر گشته، بنابراین رفیق می خواسته با این کار خود، واقعیت ارتباط خود را با سازمان ما، از پلیس بپوشاند. اینک عین مقاله "در باره وحدت و نقش استراتژیک چریکهای فدایی خلق" به یاد نویسنده ی شهید آن چریک فدایی خلق رفیق بیژن جزئی به خوانندگان نبرد خلق تقدیم می شود.

بردارند. رفقا جزئی، ظریفی، سرمدی، سورکی، کلانتری، چوپانزاده و جلیل افشار و دو مجاهد دلیر، مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار از بهترین، آگاه ترین و صدیق ترین فرزندان انقلابی خلق ما بودند. آنان خود به دشواریها و خطرهایی که در راهشان کمین کرده بود آگاه بودند و با آگاهی در این راه قدم گذاشتند. گروه جزئی از آگاه ترین، صادق ترین و برجسته ترین کمونیستهای ایران تشکیل شده بود. آنها نخستین کسانی بودند که به ضرورت مبارزه ی مسلحانه در شرایط ایران رسیدند و صادقانه به تدارک آن پرداختند. آثار رفیق جزئی که در تحلیل مسائل انقلاب ایران و شرایط جامعه ی ایران نوشته شده است حاکی از همین آگاهی، واقع بینی و صداقت انقلابی او و رفقای گروه او است. رفیق عباس سورکی از بزرگترین قهرمانان مبارزه ی مقاومت است. او در برابر شکنجه های وحشیانه ی جلاخان شاه، سیاست سکوت مطلق را در پیش گرفت. رژیم مزدور شاه از اهمیت شخصیت انقلابی رفقا به خوبی آگاه بود و نیز می دانست که ما به محض این که امکان کافی به دست آوردیم، با استفاده از قهر انقلابی، رفقا را از اسارت رها خواهیم ساخت. بدین جهت برای پیشگیری از این کار، این تنها راهی بود که برایش باقی مانده بود. رژیم انتخاب خود را بسیار آگاهانه انجام داده است. او با این عمل خود عزیزترین فرزندان خلق ما را نابود ساخته است.

مارکس می گوید: "انقلاب ضمن پیشروی خود... دشمن را مجبور می کند به وسائل تدافعی بیش از پیش شدیدی متوسل شود" و لنین ضمن طرح این مسأله می گوید که در این صورت باید "شمشیرها را تیزتر کرد" (م.ا.ج. ص ۲ و ۱۹۱). آنچه که رژیم در شرایط کنونی انجام می دهد تنها چاره ای است که در برابر آن قرار دارد. رشد شرایط انقلاب، حکومت کردن به شیوه ی ملایمتر را برای آن غیر ممکن ساخته است. رژیم خود می دانسته که با کشتن این رفقا مشکلات زیادی برایش ایجاد خواهد شد و نیروهای ترقی خواه جهان همه به او اعتراض خواهند کرد ولی سرانجام به این نتیجه رسیده که نابود کردن آنها بیشتر به سود است. زیرا رفقا در هر کجا و به هر صورت که زنده می ماندند، مطابق آن شرایط مشخص به مبارزه خود ادامه می دادند و اگر در زندان باقی می ماندند هر آن این امکان وجود داشت که چریکها با قهر انقلابی، آنها را آزاد کنند. رژیم اکنون به مرحله ای رسیده است که همواره باید بین دو راه حل شوم، یکی را برگزیند و در بهترین صورت آن را که کمتر اوضاع را دچار وخامت می سازد. این بارزترین نشانه رشد شرایط انقلاب در ایران است. طبقه ی حاکم دیگر نمی تواند به وضع سابق بر مزدوم حکومت کند، در مقابل، ما وظیفه داریم هرچه بیشتر حیاتیات و اعمال ننگین رژیم را افشا کنیم و بدین وسیله ماهیت آن و ناگزیر بودن نابودیش را بیشتر برای توده ها توضیح دهیم.

چنان که یاد شد، از رفیق بیژن جزئی آثار گرانبها و بی نظیری در باره ی شرایط انقلاب ایران باقی مانده است. رفیق جزئی این آثار را مرتباً از زندان برای سازمان

رویدادهای سیاسی ماه

درگذشت کلودبورده

ونکوور —

مراسم یادبود گلوریا مارتین

— کاوه آذرین
روز بیست و چهارم مارس ۱۹۹۶ گروهی از فعالان چپ در ونکوور به همراه حزب سوسیالیست آزاد، زنان رادیکال، فعالین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در ونکوور، تعدادی از هواداران مقاومت، کمیته دفاع از پناهنده مبارز و صدای ارس، گرد هم آمدند تا یاد گلوریا مارتین، زن مبارز و فعال انقلابی را گرامی دارند.

مراسم یادبود با سخنان مارسل هچ مسئول سازمان سوسیالیست آزاد در ونکوور آغاز شد. بعد از آن خانم هلن بابالوس فمینیست کانادایی خاطراتی از گلوریا مارتین را برای حضار نقل کرد. سپس رفیق رضا الموتی، از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در ونکوور، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی ضمن اشاره به عملکردهای مثبت و انقلابی گلوریا مارتین، گفت: گلوریا مارتین قبل از انقلاب بهمن ۵۷ در ایران، به ماهیت ضد زن و ضد انسانی ملاحا اشاره کرده بود و گفته بود که در صورت استقرار حکومت ملاحا در ایران، زنان به حرمسراها و آشپزخانه ها باز خواهند گشت و او تنها راه رهایی ایران و زن ایرانی را پیروزی مارکسیست — لنینیستهای واقعی یعنی جنبش فدایی، دانسته بود. گلوریا زسانی این سخنان را ادا کرد که برخی از سازمانهای به اصطلاح چپ خمینی را ضد امپریالیسم می دانستند. بلکه گلوریا حقیقت را گفت. به محض به قدرت رسیدن آخوندها، در ایران نه تنها حقوق اولیه زنها لگد مال شد، بلکه امروزه صدای هر انسانی چه زن و چه مرد، در صورت کوچکترین مخالفتی در گلو خفه می شود. اما در مقابل این رژیم ارتجاعی و بنیادگرا، مقاومتی خوبنبار و راستین شکل گرفته، که با بازوی نظامی خویش، ارتش آزادیبخش ملی ایران، می رود تا برای همیشه به حکومت جمهوری اسلامی پایان دهد. ریاست جمهوری برای دوران انتقال قدرت به مردم یک زن است و زنان در نقاط کلیدی شورای ملی مقاومت قرار گرفته اند.

گلوریا همواره به نقش زنان ایرانی در انقلاب ۵۷، اشاره کرده و این را می دانست که زنان ایرانی باز هم در صحنه مبارزه برای تحقق برابری نقش خواهند داشت.

گلوریا یادت در قلبهای ما زنده خواهد ماند
مرگ بر امپریالیسم جهانی و بنیادگرایی
درد بر مبارزه برحق خلقهای ایران علیه رژیم
جمهوری اسلامی

زنده باد گلوریا و تمامی مبارزان انقلابی
بعد از این سخنرانی فیلمی از همزمان گلوریا نمایش داده شد و سپس تعداد دیگری از فعالین چپ در ونکوور از سوی سازمانهایشان، به ایراد سخنرانی پرداختند و در ادامه برنامه پیام تسلیت رفیق مهدی سامع سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران توسط گوینده صدای ارس به زبانهای فارسی و انگلیسی قرائت شد.

اسرائیل را محکوم و چاره بحران هر دم شدت یابنده در خاورمیانه را تلاش برای نابودی قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی یعنی رژیم آخوندی حاکم بر ایران می دانیم. تا وقتی رژیم جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می دهد، بحران در منطقه تشدید خواهد شد. اتخاذ یک موضع قاطع در قبال رژیم، گام اصلی و اولیه برای پیشرفت صلح است. کسانی که برای دموکراسی در ایران مبارزه می کنند از این گام استقبال خواهند کرد.

کلودبورده روزنامه نگار، شخصیت چپ غیر کمونیست، مبارز ضد استعماری روز اول فروردین در منزل مسکونی خود به دنبال یک بیماری قلبی در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

خبرگزاری فرانسه وی عضو شورای ملی مقاومت فرانسه بود. وی در ۲۸ اکتبر ۱۹۰۹ متولد شد و با همکاری هنری فرنی جنبش مقاومت مبارزین را تاسیس نمود. بورده این جنبش را از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰ رهبری نمود. وی در سال ۱۹۶۳ هفته نامه آیزروتور را تاسیس نمود که کمی بعد به فرانس آیزروتور تغییر نام پیدا کرد و سپس به نوول آیزروتور تغییر نام یافت. کلودبورده از کسانی بود که در جنبش خود در سالهای ۱۹۵۰ ایده ها و اقدامات صلح جویانه را ارائه می داد و یک نیروی چپ مستقل را در مقابل سوسیال دموکراتها و حزب کمونیست تشکیل داده بود. او همچنین حزب سوسیالیست متحد را تاسیس نمود و در سال ۱۹۵۶ برای راه حل صلح آمیز مشکل الجزایر و همچنین برای گسترش رابطه بین مردم آسیا و آفریقا تلاش می کرد. او در سال ۱۹۷۶ به یک روزنامه نگار تبدیل شد نشریه "شاهد مسیحی" را تاسیس نمود. او خالق آثار زیادی از جمله "آیین یوگسلاوی" در سال ۱۹۵۰، "حوادث غیر واقعی" در سال ۱۹۷۵ در مورد مقاومت، "اروپای تقلبی" در سال ۱۹۷۷ که در آن از سیاست غیر واحد اروپا دفاع کرده بود و همچنین کتاب "جنگهای من" که در سال ۱۹۹۳ منتشر شد. می باشد او رئیس افتخاری جنبش "خلع سلاح" جنبش "صلح" و جنبش "آزادی" بود. او همچنین برای استقلال مردم کناک مبارزه کرد و در سال ۱۹۸۷ جایزه صلح حقوق بشر (انستیتوی عرب) را به خود اختصاص داد.

رئیس مجلس و رئیس جمهوری رژیم خواهد بود.
در ماه گذشته در مناسبات رژیم با ترکیه، یک تحول کیفی اتفاق افتاد. تضادهای گوناگون بین ترکیه و رژیم ایران، سبب آن شد که وحدت آنها را تحت الشعاع قرار دهد. قرارداد نظامی بین ترکیه و اسرائیل، زنگ خطری جدی برای رژیم آخوندی بود. دستگیری یکی از گردانندگان اصلی گروه تروریستی حزب الله در ترکیه و اعترافات او، موضع گیری مطبوعات ترکیه و مسأله اخراج چهار دیپلمات تروریست رژیم که در ترورهای داخل ترکیه نقش رهبر و سازمانده داشته اند، به اختلافات بین ترکیه و رژیم جمهوری اسلامی ابعاد جدیدی داد. اگر مسئولین دولت ترکیه به همان مطلبی که تا کنون اعلام کرده اند، پایبند باشند، بعید است که روابط بین رژیم و ترکیه بتواند، به سطح گذشته برگردد. در مقابل این شرایط آخوندها که از هر نظر تحت فشار قرار گرفته اند، به گروه تروریستی حزب الله در لبنان دستور موشک پرانی به اسرائیل را دادند. این اقدام تروریستی که در پشت آن رژیم آخوندی قرار دارد، با واکنش متقابل دولت اسرائیل روبرو شد. دولت اسرائیل همراه با بمباران پایگاههای حزب الله، به بمباران مناطق غیر نظامی و مردم بی دفاع پرداخت. روز ۳۰ فروردین هواپیماهای اسرائیل، یکی از مقرهای ملل متحد را که در آن مردم بی دفاع مستقر بودند را بمباران کرد. ما بمباران لبنان از جانب اسرائیل و موشک پرانی حزب الله به

طی ماه گذشته رویدادهای متعددی در صحنه سیاسی ایران و در رابطه ی رژیم با کشورهای دیگر اتفاق افتاد که عمق و ماهیت بحران همه جانبه در ایران و ماهیت عمیقاً ارتجاعی رژیم حاکم بر میهن ما را به نمایش گذاشت. ۲۳ فروردین علی رضا فرزانه فر، یک جوان ۲۳ ساله در جشن تولدش توسط پاسداران جنایتکار از طبقه ۱۸ ساختمانی به پایین پرتاب و به قتل رسید. مردم تهران نفرت و انزجار خود را از این عمل جنایتکارانه به اشکال مختلف و منجمله در مراسم خاکسپاری او در روز پنجشنبه ۳۰ فروردین به نمایش گذاشتند. انعکاس وسیع خبر قتل این هموطن جوان ما، و تلاش مذبوحانه جنایتکاران برای پرده پوشی عمل ردیلانه خود، نشان می دهد که هم مردم ایران از این رژیم مستبد و ضد انسانی تنفر دارند و هم رژیم حاضر نیست به هیچ وجه از سیاستهای سرکوبگرانه خود دست بردارد. در ماه گذشته، حرکتهای کارگری و اعتراضات مردمی ابعاد جدیدی پیدا کرد. رفسنجانی وقیحانه در نماز جمعه روز ۲۴ فروردین از "آبادی" و "بهبود وضع مردم" از "فراوانی" و "پیشرفت" حرف زد. این حرفها در شرایطی زده می شود که تورم از مرز عدد ۳ رقمی گذشته و تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم ابعاد جدیدی پیدا کرده و گرانی هر روز بیداد می کند. در ماه گذشته مردم در گوشه و کنار کشور و به اشکال مختلف به این سطح از گرانی اعتراض کرده و در بعضی از کارخانجات دست به اعتصاب زدند.

در ماه گذشته شورای نگهبان رژیم، انتخابات دور اول بعضی از شهرها را باطل اعلام کرد. همه ی خبرها حاکی از آن بود که در انتخابات این شهرها تقلب و یا خلاقی که در نقاط دیگر مشابه آن انجام شده باشد، اتفاق نیفتاده است.

آن چه سبب ابطال انتخابات در این شهرها شده، اضی افراد (منجمله دو زن در اصفهان و ملایر) خارج از کنترل دو باند اصلی رژیم بوده است. گفته شده که هواداران آقای منتظری در اصفهان و نجف آباد برنده این انتخابات بوده اند. البته آقای منتظری کل این انتخابات را نامشروع اعلام کرده بود و از این موضوع همه مردم به خصوص مردم اصفهان و نجف آباد اطلاع داشتند. با این وجود بعید نیست که علت اصلی ابطال انتخابات در دو شهر اصفهان و نجف آباد، نزدیکی کاندیدای انتخاب شده با منتظری باشد. صرفنظر از این دو شهر، آن چه مسلم است، شورای نگهبان و گرداننده اصلی آن یعنی خامنه ای به شدت از این که در نقطه ای اوضاع از کنترل او خارج شود، نگرانند. جنگ و دعواهای بین روحانیت مبارز و کارگزاران که در ماه گذشته ابعاد گسترده ای پیدا کرد، نشان می دهد که دو باند اصلی حکومت هم به سختی می توانند یکدیگر را تحمل کنند. در چند روز گذشته، به دستور خامنه ای، تعدادی افراد ظاهراً بی طرف که در لیست هر دو باند بودند، رسماً اعلام کردند که خود را از لیست گروه کارگزاران کنار می کشند. این ضربه به گروه کارگزاران، نشان می دهد که رژیم تا چه حد فاقد ظرفیت برای تحمل حتی یک رقابت نمایشی است. اکنون که دور دوم نمایش انتخاباتی رژیم انجام شده، تضادهای درون رژیم هر چه بیشتر تشدید خواهد شد و مسئله اصلی روحانیت مبارز و گروه کارگزاران، تسلط بر کرسی

معرفی فیلم —

برلین ، اولین محاکمه تروریسم ایران

کارگردان : جمشید گلکانی

مدت : ۴۶ دقیقه

سال تولید : ۱۹۹۵

زبان : آلمانی - فرانسه - فارسی

فیلم با ماجرای ترور دبیرکل و سه عضو مؤثر حزب دموکرات کردستان ایران، روز ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین شروع می شود. این ترور ما را به تاریخچه کوتاهی از ترور مخالفان ایرانی که اکثر آنها در اروپا به قتل رسیده اند می برد. این تاریخچه نشان می دهد که دستگیری تروریستها کمتر صورت گرفته و در مواردی که تروریستها دستگیر شده اند، دولتهای غربی به دلایلی محرمانه و حفظ منافع خود، در زیر فشار ایران آنها را آزاد کرده اند.

فیلم جریان ترور برلین را که به دستگیری و محاکمه یک ایرانی و چهار لبنانی انجامید با دقت دنبال می کند. در محاکمه ای که در اکتبر ۹۳ شروع شد. رژیم ایران برای اولین بار، به عنوان فرمانده قتل در جایگاه متهمان قرار گرفت.

برلین، اولین محاکمه با تحقیق پیرامون انبوه رویدادهایی که در جریان دادگاه رخ داد به عنوان نمونه ای بارز نشان می دهد که جمهوری اسلامی در حذف هر صدای مخالف چگونه عمل می کند. همچنین، چرا و چگونه دولتهای غربی برای حفظ منافع اقتصادی نزد رژیم ایران در مقابل تروریسم آن کمرش می کنند.

فیلم محاکمه قاتلان شاپور بختیار و منشی اش سروش کتیبه را که در نوامبر ۹۴ در کاخ دادگستری پاریس انجام گرفت را نیز دنبال می کند. دو نفر از سه متهم محکوم می شوند. ولی زین العابدین سرحدی، کارمند وزارت امور خارجه ایران تبرئه می شود. این تبرئه رضایت دولت ایران را در پی داشت. اما نزدیکان قربانیان را خشمگین کرد.

خانواده های قربانیان از خفقانی که در کشور خود متحمل شده اند و از تأمین جان خود در اروپا که در مذاکرات سیاسی - اقتصادی با ایران نره ای ارزش ندارد حرف می زنند.

فیلم مستند ۴۶ دقیقه ای " برلین ، اولین محاکمه تروریسم ایران" روز دوشنبه ۶ مه در کادر فستیوال Rencontres Medias Nord - Sud در ژنو به نمایش درخواهد آمد.

به تازگی نسخه فارسی این فیلم به پایان رسیده است. کسانی که مایل باشند نمایش عمومی آن را تدارک ببینند، می توانند با شماره تلفن زیر در پاریس تماس بگیرند:

Tel: ۳۳۱ - ۴۶۸۳۰۱۹۰

جشنواره سینمای ایران در تبعید

کانون سینماگران در تبعید (مرکز آلمان) با همکاری کانون فرهنگی آینه و سینمای آزاد اعلام نموده اند که از ۱۹ تا ۲۱ آوریل جشنواره سینمای ایران در تبعید را در فرانکفورت برگزار می کنند.

جوایز اسکار

مل جیبسون که زمانی یک هنرپیشه ساده بیش نبود جایزه بهترین کارگردان را به خاطر فیلم "قلب قوی" از آن خود ساخت. جایزه بهترین هنرپیشه زن را اماتامسون به خاطر بازی در فیلم "حس و حساسیت" به خود اختصاص داد

درگذشت شاعر یونانی

به گزارش خبرگزاری فرانسه روز ۲۸/ اسفند/ ۷۴ اوئیسه آس الیتیس شاعر نامدار یونانی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۷۹ در حالی که ۷۵ سال داشت در منزل خود بر اثر ناراحتی قلبی به درود حیات گفت. آهنگسازان بزرگ یونانی هم چون میکیس تئودوراکیس بر روی بسیاری از اشعار الیتیس آهنگ ساختند و آنها را تبدیل به ترانه کردند. وی از جمله یکی از معروفترین اشعارش را هنگامی که در صفوف ارتش یونان علیه تهاجم فاشیسم ایتالیا در جنگ جهانی دوم شرکت داشت، سروده بود. این شعر توسط آکادمی نوبل به عنوان یکی از شاهکارهای ادبی قرن بیستم شناخته شده است.

پرچم نازیها در لیون

رادیو فرانسه روز ۲۰/فروردین/۷۵ گفت به مناسبت تهیه فیلمی در باره رایش سوم، در شهر لیون امروز پرچم آلمان نازی بر فراز شهرداری لیون به احتزاز درآمد، از هفته پیش مقامات شهرداری لیون به مردم هشدار دادند که این اقدام به منظور فیلمبرداری انجام می گیرد و پس از اتمام هر صحنه پرچم رایش سوم به پایین آورده می شود تا اهالی شهر از دیدن ناگهانی آن به وحشت نیفتند. این فیلم به کارگردانی کلودیبری سینماگر فرانسوی، "لوسی اوراک" نام دارد که در باره زندگی زنی به همین نام از اعضای فعال جنبش مقاومت فرانسه است. نقش این زن مبارز توسط کارول بورژه هنرپیشه فرانسوی ایفا می شود.



شماره اول مجله سینمای آزاد از انتشارات مرکز پژوهشی و فیلمسازی سینمای آزاد در فروردین امسال منتشر شده است. در این شماره مطالبی از رضا علامه زاده، عباس سماکار، علی امینی، رامین یزدانی، بصیر نصیبی و هژیر داریوش به چاپ رسیده است. همچنین گفتگوی بهرام بیضایی با شاهرخ گلستان به نقل از مجله چشم انداز و گفتگوی تلفنی سهراب شهیدثالث با بصیر نصیبی تحت عنوان حرف آخر در پایان مجله سینمای آزاد چاپ شده است.

یادی از —

مروجین سینما در ایران

— محمدرضا حمیدی

در صفحه ۸



"دنیای خانه من است"

سومین دوره جشنواره سینمای در تبعید

بدین وسیله کمیته برگزارکننده جشنواره، آغاز تدارک برگزاری سومین جشنواره سینمای در تبعید را به اطلاع می رساند. این دوره از جشنواره در تداوم حرکت جشنواره های اول و دوم، با هدف طرح همه جانبه مسئله تبعید و زندگی در مهاجرت، افشاء رژیمهای فرهنگ ستیز و غیر دموکراتیک به عنوان عاملان اصلی آوارگی و تبعید، دفاع از آزادی بیان و اندیشه، پشتیبانی از فیلم سازان تبعیدی و فراهم کردن زمینه های معرفی و نمایش گسترده تر آثار آنها برگزار می شود.

دوره سوم جشنواره نیز همچون دوره های پیش شامل بخشهای مختلف خواهد بود از جمله نمایش آثار فیلم سازان ایرانی در خارج از کشور تحت عنوان چشم انداز سینمای ایران در تبعید، آثار فیلم سازان تبعیدی و مهاجر ملتبهای دیگر، فیلمهایی که به موضوعاتی از قبیل بیگانه ستیزی و نژادپرستی می پردازند و نیز فیلمهایی که به دلیل وجود سانسور سیاسی، مذهبی و یا قومی و نژادی، در کشورهای تولید شده اجازه نمایش نیافته اند.

کمیته برگزارکننده از تمام فیلم سازان در خارج از کشور دعوت می کند تا چنانچه مایل به شرکت در سومین دوره جشنواره هستند، هرچه زودتر نمونه ای ویدیویی از آثار خود را به دفتر جشنواره ارسال نمایند.

کمیته برگزار کننده همچنین از تمام دست اندرکاران و علاقمندان مسائل هنری و فرهنگی برای هرچه بهتر برگزار کردن جشنواره سوم، دعوت به همکاری می کند. از پیشنهادها و نظریه های همه علاقمندان در جهت پربار کردن جشنواره استقبال می کنیم.

نشانی دفتر جشنواره

FRI FILM
Box 8003
421 08 V. FROLUNDA
SWEDEN
Tel/ Fax: 46-31-145447

یادی از مروچین سینما در ایران

به انگیزه یادبود ورود صنعت فیلم به ایران

— محمدرضا حمیدی

نزدیک به ۱۰۰ سال پیش، ۲۴ فروردین ۱۲۷۹ مظفرالدین شاه قاجار از تهران به قصد اروپا حرکت کرد. در این سفر میرزا ابراهیم خان عکاس باشی او را همراهی می کرد و به اتفاق در پاریس برای اولین بار دستگاه سینما توگراف (نمایش فیلم) را رؤیت و به تماشای فیلمهای اولیه سینما نشستند. یک سال بعد وقتی به تهران بازگشت به عکاس باشی دربار دستور خرید وسایل فیلم را با هدف ایجاد سرگرمی برای درباریان و اشراف صادر نمود. بدین ترتیب میرزا ابراهیم خان عکاس باشی اولین فیلم بردار تاریخ سینمای ایران متولد ۱۲۵۳ و متوفی در سال ۱۲۹۴ فیلمهایی با محتوای خوشگذرانی دربار تهیه و به نمایش گذاشت. صنعت فیلم در ابتدای ورودش به ایران مختص اشراف و دربار بود و اولین گام برای عمومی شدن آن توسط میرزا ابراهیم خان صحاف باشی در آذرماه ۱۲۸۴ برداشته شد. او که تحصیل کرده مدرسه دارالفنون بود و طی مسافرتهاش به خارج با سینما آشنا شده بود از مبارزان مشروطه خواه و از عقایدی مترقی و تجددگرایانه برخوردار بود. هدف وی از عمومی کردن سینما آشنایی مردم با علوم و کمک به آگاهی آنها و فاصله گرفتنشان از حصارهای ارتجاعی دربار و عناصر ضد مشروطه بود. وی با تاسیس اولین سالن سینمای عمومی در خیابان چراغ برق تهران از مردم دعوت می کرد که از فیلمهای خبری و مستند بازدید نمایند. به جهت عقاید مشروطه طلبی و مخالفت با ارتجاع بدوا از سوی شیخ فضل الله نوری با عنوان این که سینما بی دینی است مورد تکفیر و سپس با پرونده سازی عناصر دربار به جهت بدهی مالی حبس و پس از تبعید به کربلا، به هندوستان رفت و در آن جا اقامت نمود.

دو سال بعد از او مهدی روسی خان متولد ۱۲۵۴ در تهران از پدری انگلیسی و مادری روس به سمت عکاس باشی دربار محمدعلی شاه دست یافت. وی که از عناصر ضد مشروطه و روابط نزدیکی با مرتجعین و دربار از جمله لیاخوف روسی داشت توانست به سادگی ضمن ارتقاء در دربار علاوه بر عکاسی و فیلم برداری، سالن نمایش فیلم نیز تاسیس نماید. پس از خلع محمدعلی شاه از سلطنت اموال او نیز توسط مشروطه خواهان مصادره و به فرانسه گریخت. وی تا آخر عمر در خدمت خاندان قاجار باقی ماند و به تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۴۶ در پاریس درگذشت.

سومین فیلم بردار تاریخ سینمای ایران و اولین فیلم بردار حرفه ای ایرانی، خان باباخان معتضدی متولد ۱۲۷۱ در تبریز از نوجوانی سینما را پی می گیرد. پس از عزیمت به فرانسه جهت ادامه تحصیل در رشته الکترونیک جهت گذراندن اوقات فراغت و کمک هزینه تحصیل در استودیوی فیلم برداری گومون فرانسه مشغول به کار و به یادگیری ظهور و چاپ فیلم و عکاسی می پردازد. هنگام برگشت به ایران علاوه بر کسب و تحصیل فنون فیلم برداری و عکاسی به صورتی کاملا حرفه ای، وسایل قابل توجهی در زمینه فیلم با خود به ایران می آورد. او اولین لابراتوار چاپ و ظهور فیلم را در ایران تاسیس و خود به فیلم برداری مستند گوناگون می پردازد. از خدمات شایان توجه خان باباخان معتضدی می توان تاسیس اولین سالن نمایش فیلم ویژه بانوان با مشارکت علی وکیل و اردشیر خان

ایرانی و همچنین فیلم برداری اولین فیلم سینمایی صامت ایرانی با نام آبی و رابی را نام برد. وی در سال ۱۳۶۶ در تهران درگذشت. از کسان دیگری که در ترویج فیلم در ایران نقشی داشته اند می توان به خدمات کلنل علی نقی خان وزیر به ویژه در راهگشایی زنان ایرانی به سینما و صنعت فیلم، و ایجاد مدرسه موسیقی و ارکستر ویژه جهت فعالیت در سینماها اشاره نمود. هم چنین از علی وکیل مؤسس اولین نشریه سینمایی ایران در سال ۱۳۰۷ با نام سینما و نمایشات و اولین کسی که با سینما به عنوان مقوله تجاری به کمپ کشورهای دیگر برخورد داشت، یاد نمود. بدون شک اوئانس اوگانیانس (رضا مژده) متولد ۱۲۷۹ در عشق آباد ترکمنستان را می توان به عنوان یکی از بنیانگذاران سینمای حرفه ای در ایران نام برد. وی که فارغ التحصیل رشته سینما از هنرستان سینمایی مسکو بود در سال ۱۳۰۸ وارد تهران گردید. او در سال ۱۳۰۹ نخستین مدرسه آموزش سینما در ایران را تاسیس و در سالهای بعد بسیاری از فعالین سینمای ایران را در همین مدرسه آموزش حرفه ای داد. اوگانیانس در آن سالها علیرغم این که سینما به طور کامل عمومی نشده بود، توانست طی دو سال بالغ بر ۳۰۰ هنرجو، از جمله زنان هنرجو را در رشته های گوناگون سینمایی آموزش دهد. او در سال ۱۳۱۰ نخستین فیلم بلند سینمای صامت ایران را با نام آبی و رابی، بر اساس یک داستان کمدی ساخت. این فیلم علیرغم این که از نظر ساخت حرفه ای قابل ملاحظه نبود اما به جهت موضوع کمدی آن پس از اولین نمایش در سینماها به تاریخ ۱۲ دی ماه همان سال در سینما مایاک تهران مورد استقبال مردم قرار گرفته و به جهت سود سرشاری که نصیب تهیه کننده اش کرد زمینه عمومی شدن فیلم و گرایش به سرمایه گذاری در زمینه سینما را فراهم نمود. فیلم دوم او با نام حاجی آقا آکتور سینما در سال ۱۳۱۲ با هدف آشنایی مردم با سینما ساخته شد اما به جهت هم زمان بودن نمایش آن با فیلم ناطق دختر لر در بهمن ماه همان سال، با عدم استقبال مردم مواجه و از نظر نمایش شکست خورد. اوگانیانس اساسا سرمایه ای جهت تهیه فیلم نداشت سرمایه لازم را از طریق تعاونی و فروش سهام فیلم تامین می کرد. از جمله ابتکارات کارگردان برای جلب توجه مردم استفاده از موزیک همراه فیلم، شرح فیلم به زبانهای فرانسه، فارسی و روسی بود که علیرغم آن مورد استقبال مردم قرار نگرفت. با شکست فیلم، اوگانیانس مجبور به بازگشت به عشق آباد و سپس اقامت در هندوستان گردید. و در آن جا به جهت فعالیت سیاسی به عنوان جاسوس روسیه توسط انگلیسیها بازداشت و بعد از استقلال هند از زندان به روسیه برگشت. او در سال ۱۳۲۴ مجددا به ایران آمد و در حال که به شدت مایوس و سرخورده بود، مدتی به شغل پزشکی روی آورد و سالها بعد مجددا با نوشتن مقالاتی در زمینه سینما سعی کرد فعالیت خود را آغاز کند. در سال ۱۳۴۰ هنگامی که مشغول انجام مراحل ساخت فیلم کودتای ۱۲۹۹ براساس فیلمنامه خودش بود، پس از دریافت برگه مالیاتی به مبلغ ۶۰ هزار تومان دچار ناراحتی قلبی شد و در بیمارستان درگذشت. بدون شک اوئانس اوگانیانس اولین فیلم نامه نویس، کارگردان، تدوینگر و مؤسس مدرسه آموزش فیلمسازی و مدرس سینما در ایران است.

عبدالحسین سپنتا در ۴ خرداد ۱۲۸۶ در تهران متولد شد. خودش می گوید دوران کودکی و نوجوانی ام مصادف بود با مبارزات آزادیخواهان و مشروطه طلبان با مستبدین، مباران مجلس، قتل عام مردم، کودتای ۱۲۹۹ و بالاخره اختناق و آزادی کشی. او که به فرهنگ و هنر ایرانی و به ویژه به ادبیات علاقه داشت تالیفات بسیاری در این زمینه از خود به جای گذاشت و همین علاقه موجب

گرایش وی به سینما و بنیانگذاری سینمای حماسی در ایران گردید. سپنتا در طول حیاتش ۴ نشریه با نامهای دورنمای ایران، جنگل، پیام راستی و سپنتا را منتشر ساخت که به جهت انتقادهای تند علیه سیاستهای انگلیس و دولتهای وقت به فاصله کوتاهی از هم توقیف گردید. وی ۲ نوبت به ملاقات عارف قزوینی شاعر انقلابی که در تبعید بود رفت که یک نوبت آن با همراهی رابیندرانات تاگور نویسنده هندی بود. پس از اقامت در هندوستان تحت تاثیر سینما و به توصیه یکی از دوستانش با این هدف که با استفاده از تصویر معتبر می تواند پیام خود را به مردم انتقال دهد مشغول ساختن فیلم شد. پس از مطالعه و تحت راهنمایی یک کارگردان هندی فیلمنامه نخستین فیلم ناطق سینمای ایران با نام دختر لر را نوشت. فیلم در سال ۱۳۱۲ به اتمام رسید و خانم روح انگیز با عنوان اولین هنرپیشه زن ایرانی نقش اول در این فیلم را بازی کرد. نمایش فیلم از ۳۰ آبان ماه همان سال آغاز و به جهت استقبال بی شائبه مردم نمایش آن در تمامی سینماها به مدت سه سال ادامه پیدا کرد. دختر لر علاوه بر این که از جهت تکنیک فیلم ناطق نقش مهمی در صنعت فیلم داشت از جهات فنی و هنری نیز در زمان خود قابل قبول توصیف گردیده است.

استقبال مردم از فیلم و فروش بالای آن موجب گردید که کمپانی فیلم سازی هندوستان از تعداد زیادی هنرپیشه و نوازنده ایرانی جهت هنرنمایی دعوت نماید که می توان از خانم فخرالزمان وزیر و ایران دفتری نام برد.

سپنتا درسال ۱۳۱۳ به سفارش اداره فرهنگ و هنر و به مناسبت هزارمین سال تولد فردوسی و براساس فیلمنامه خودش فیلم فردوسی را ساخت. فیلمهای بعدی وی شیرین و فرهاد، چشمهای سیاه و لیلی و مجنون است که به ویژه ساخت موسیقی متن برای فیلم شیرین و فرهاد از اهمیت خاصی در آن سالها برخوردار بود. سپنتا در سال ۱۳۱۵ دوباره به ایران بازگشت. او که می دانست خدمات شایانی به سینما و ادبیات نموده فکر می کرد دولت وقت از خدمات وی قدرانی و یا امکانات بیشتری را در اختیار وی قرار خواهد داد. مأمورین دولت با این استدلال که چرا در فیلمهای از رضا شاه ستایش نکرده فیلم اخر وی را سانسور و با وی رفتاری ناشایست داشتند. عدم حمایت دولت از وی و به ویژه عدم امکان نمایش گسترده فیلم لیلی و مجنون، ادامه فیلم سازی را برای وی مشکل و ناچار به اشتغال در کارخانه پشم بافی اصفهان گردید. برای گریز از یاس و افسردگی ناشی از عدم توانایی اشتغال در بخش فیلم سازی که مورد علاقه اش بود مجددا به ادبیات روی آورد. در سلسله مقالاتی که در هفته نامه سپنتا می نوشت ضمن حمله به سیاست شرکت نفت ایران و انگلیس به دفاع از کارگران صنعت نفت پرداخت. بعد از تعطیلی روزنامه اش به مترجمی مشغول شد و در سالهای آخر عمرش با عشق مجدد به سینما با یک دوربین ۸ میلی متری به تصویر برداری از زندگی روستائیان در مناطق اطراف اصفهان پرداخت و نام پائیز را به آنها گذاشت. عبدالحسین سپنتا در ۸ فروردین ۱۳۴۸ در حالی که هیچگاه از خدمات ارزشمندش در زمینه سینما قدرانی نشد درگذشت. او نویسنده، محقق و مبتکر سبک سینمای حماسی در ایران بود و برای اولین بار بر اساس یک اثر ادبی فیلم ساخت.

سینمای ایران در سالهای بعد توانست ضمن ارتقاء کمی به چند فیلم قابل قبول دست یابد اما در همان سالهای اولیه نیز سایه سانسور و کنترل هنرمندان از یک سو و عدم حمایت مالی از آنها وجود داشت.

صلح ممکن است

منبع: ال مانیستو
تاریخ: ۲۰ فوریه ۹۶
ترجمه: مهرداد

ارتش جمهوریخواه ایرلند باید مسؤلیت بمب گذاریها را بپذیرد، اما پیشرفت مذاکرات به لندن بستگی دارد.

مصاحبه با "جری آدامز"، رهبر شین فین .

جری آدامز برای توضیح احساساتش و چگونگی شرایطی که از جمعه ۹ فوریه (زمانی که ارا بمب کانارای وارف را در لندن را منفجر کرد) با آن روبرو بوده، فیلم مشهور در رابطه با نیکاراگوئه را مثال می زند.

از جمعه ۹ فوریه به بعد، ارا به پروسه صلح - حداقل در این مرحله - خاتمه داد. روندی که دقیقاً ۱۸ ماه پیش، در ۳۱ اوت ۹۴، با بیانیه تاریخی این جریان که "توقف کامل عملیات نظامی" را اعلام می کرد، آغاز شده بود. جری آدامز خاتمه پروسه صلح را با تاکید بر لزوم از سر گرفته شدن آن، از طریق BBC ایرلند شمال نیز اعلام کرد.

اما او خود را تحت فشار جان میجر که از شبه نظامیان پروتستان می خواهد: "در مقابل بمبهای ارا از خود واکنشی نشان ندهند" نیز می داند. کلماتی که بیشتر به اجازه نامه برای از سر گرفتن عملیات جوخه های مرگ شباهت دارد. جری آدامز: خود را تحت فشار دوپلین و نخست وزیرش "جان بروتون" نیز احساس می کند. "بروتون" کسی است که پروسه صلح در حقیقت به او تحمیل شده، میراث سنگینی که از نخست وزیر اسبق، "آلبرت رینولدز"، برای او به جا مانده است. "بروتون" همیشه خود را به مواضع پروتستانها نزدیک می دانسته است. جری آدامز در نهایت به فشار رسانه های گروهی که او را به شکست سیاسی متهم می کنند نیز اشاره می کند. با این وجود به نظر نمی رسد که محبوبیت او کاهش پیدا کرده باشد. یکشنبه گذشته در بلغاست تظاهراتی برای صلح برگزار شد که از سوی جری آدامز خاتمه یافت.

سؤال: جری آدامز شما اکنون چه احساسی دارید؟ (او از "دوبلین"، جایی که سران حزب را گرد هم آورده، پاسخ می دهد).

جری آدامز: از این همه توجه نسبت به آینده ام بسیار در شگفتم. تمام کسانی که تا چندی پیش به پیشنهادات من در رابطه با صلح تف می کردند، اکنون نگران محبوبیت من و حزبم در بین مردم هستند. کماکان برای ادامه مسئولیتی که حزب به عهده من گذاشته کار خواهم کرد. بعد از بمبهای لندن خیلی فکر کرده و به خود می گفتم شاید بایستی به صورت دیگری عمل می کردم. اکنون به عهده دیگران است تا در باره این که چه کار باید و یا نباید می کردند، بیاندیشند. جان بروتون باید تأمل کند و این کار را جان میجر هم باید بکند. بخصوص در باره این ۱۸ ماه و درسهایی که می شود از آن گرفت، چرا که یک چیز بسیار روشن است. هیچ گونه صلحی در ایرلند بدون این که دولت انگلیس خواهان آن باشد امکان پذیر نخواهد بود.

سؤال: بعد از انفجارهای لندن، آیا فکر می کنید استراتژی صلح شین فین شکست خورده است؟

جری آدامز: پاسخ من بدون تردید منفی است. استراتژی صلح شین فین درست است. در این لحظه درست است همانگونه که قبل از اتفاقات تراژیک هفته گذشته درست بود. در این ۱۸ ماه، جان میجر و اتحاد خواهان، شرکت در پروسه صلح را بدون هیچ پیش شرطی رد کردند و این خود دروغ هایشان را آشکار کرد. مدت ۱۸ ماه سلاحها خاموش بودند اما دولت انگلیس چه کرد؟ سعی کرد با جلوگیری از تغییرات دموکراتیک و قانون اساسی مورد نیاز، شکستهای گذشته را پشت سر نهد. جان میجر هیچ کاری نکرد. هیچ ریسکی را به عهده نگرفت، به هیچ قوی وفادار نماند، نه آن وعده هایی که در ملاء عام داده بود و نه قولهایی که به صورت خصوصی به آنها متعهد شده بود.

سؤال: شین فین، میجر را به داشتن سوء ظن متهم می کند. آیا در نبود مذاکرات، مبارزه مسلحانه اجتناب ناپذیر بود؟

جری آدامز: تصمیم برای شکستن آتش بس قابل پیشگیری بود و نباید به مرحله عمل در می آمد. صورت نگرفتن مذاکرات و خلایقی که از بدبینی دولت انگلیس نشأت می گرفت و به دنبال آن شکست در برخورد با ریشه مناقشات، از سر گرفته شدن دوبار جنگ را میسر کردند.

سؤال: اگر دولت انگلیس در پروسه صلح نقش فعال ایفا نمود، پس در مدت این ۱۸ ماه چه می کرد؟

جری آدامز: مشغول مادی ساختن یک استراتژی بسیار پر خطر، یعنی سد کردن پروسه صلح بود. مشغول تدوین استراتژی کلاسیک ضد شورش بود: نفاق بیانداز و حکومت کین. تلاش می کرد با هر وسیله ای جنبش جمهوریخواه را شقه کنی، چرا؟ برای این که مذاکرات، دولت انگلیس را در برابر یک مشکل واقعی قرار می دهد. نشستن به دور میز مذاکرات به مفهوم بحث بر سر تغییرات بنیادی دموکراتیک در قانون اساسی و در رابطه مردم این جزیره با مردم انگلیس است. به جای برخورد اصولی با پروسه صلح، انگلیسی ها سعی در اجتناب از سخن گفتن در مورد بی عدالتیهایی که منجر به جنگ شدند می کردند. آخرین نمونه، تصمیم به رد گزارش فرستاده مخصوص کلینتون، که شروع مذاکرات را امری مبرم برای پیشگیری از خاتمه آتش بس می دانست، بود.

سؤال: به نظر می رسد بمب یکشنبه شب، به طور تصادفی منفجر شده است.

جری آدامز: مسؤلیت این عملیات مثل تمام عملیات دیگر به عهده آرا می باشد. برای این عمل تراژیک بسیار غمگین و شرمنده ام. رهبری شین فین اما مسؤلیت دیگری دارد و آن تاکید بر مقدم بودن مذاکره، به عنوان یگانه ابزار تغییرات و برگرداندن پروسه صلح بر خطوط اصولی است. کماکان فکر می کنم تنها راه ممکن برای پایان جنگ نشستن بر سر یک میز و صحبت کردن است. آن چه که باید انجام داد قانع کردن آرا برای اعلام یک آتش بس جدید است. تا آن جا که به من مربوط می شود سعی در استفاده از نفوذ خود و دیگران دارم. تا وقتی این شرایط دنبال شوند و مبارزه مسلحانه دیگر به مفهوم تنها راه بر مذاکره تقدم نداشته باشد.

ما باید تغییر جهت دهیم

منبع: اشپیگل
تاریخ: ۹۶/۲/۵
ترجمه: بابک

رئیس مؤسسه "مک کینزی"، "هربرت هنسلر" در باره کاهش پرسنل و مشاغل جدید

هربرت هنسلر، از سال ۱۹۸۵ شعبه آلمان، مک کینزی معروفترین شرکت مشاور جهان را اداره می کند. او در عین حال در بالاترین رده مدیریت شرکت آمریکایی مادر نیز قرار دارد. هیچکس مانند هنسلر و همکارانش در نزد طبقات فوقانی صنایع آلمان، از اعتبار برخوردار نیست. زمینس و مرسدس بنز - ایرواسپیس از جمله مشتریان او محسوب می شوند.

اشپیگل: آقای هنسلر، از این که شما را به عنوان قاتل شماره یک مشاغل در آلمان می شناسند چه احساسی دارید؟

هنسلر: این یک افتخار مشکوک است. اما من می دانم که این نامگذاری درست نیست. علاوه بر این طی چند وقت گذشته این سرزنش را کمتر می شنوم.

اشپیگل: شرکت شما به یاری دادن به مؤسسات در کاهش پرسنل خود و آن هم در ابعاد وسیع مشهور شده است.

هنسلر: در عصر گذار از جامعه صنعتی به جامعه خدماتی این امر اجتناب ناپذیر است. این پروسه هنوز به اتمام نرسیده است. بر آن باید این واقعیت را نیز افزود که تولید مفید صنایع ما حدود ۲۰ درصد از شرکتهای آمریکایی کمتر است. با افزایش قیمت شما نمی توانید این عقب ماندگی را جبران کنید. امروز هیچکس حاضر نیست ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر بپردازد فقط برای این که روی یک جنس "ساخت آلمان" نوشته شده.

اشپیگل: آیا این عاری از خلاقیت نیست که همیشه برای افزایش نیروی کشش، فقط تعداد پرسنل کاهش داده شود؟

هنسلر: ما به کارفرمایان در زمینه حفظ محل کار و ایجاد پهنه های جدید کار نیز کمک می کنیم. اما در رابطه با حوزه های کاری موجود، به ویژه پهنه های جا افتاده، در نتیجه رقابت، اغلب شما هیچ چاره دیگری جز کاهش پرسنل برای تقویت تولید ندارید.

اشپیگل: بنابراین کاهش پرسنل در آلمان کماکان ادامه خواهد یافت؟

هنسلر: در حوزه هایی که کار یسری صورت می گیرد، این گرایش ادامه خواهد یافت. به عنوان نمونه کافی ست به صنعت اتومبیل سازی نگاهی بیاندازید. در آن جا طی دو سال گذشته ۷ تا ۱۰ درصد از مجموع پرسنل کم شده، با این وجود قیمت فروشی جزئی حدود ۱۵ درصد افزایش یافته است. با تکنیک موتناژ جدید، شما می توانید با همین تعداد پرسنل اکنون دو برابر بیش از ده سال قبل تولید کنید.

بقیه در صفحه ۱۰

ما باید تغییر جهت دهیم

بقیه از صفحه ۹

اشپیگل: به نظر شما تا آغاز هزاره جدید چه تعداد دیگری محل کار از بین خواهد رفت؟

هنسلر: این را دقیقاً نمی توان گفت. آمریکا را به عنوان معیار در نظر بگیرید، در آن جا اکنون تنها ۲۵ درصد شاغلین در بخش صنایع مشغول به کارند. در آلمان این رقم ۳۵ درصد است. این تفاوت درصد، رقمی حدود سه میلیون نیروی کار را در بر می گیرد. شما اجباراً در درازمدت، در صنایع کاهش نیروی کار خواهید داشت.

اشپیگل: با این ها چه کار باید کرد؟
هنسلر: ما به کار نمی پردازیم، کارفرما به ما مربوط می شود. طی ده سال گذشته، به طور متوسط، هر کارفرمای موفق چهار محل کار جدید به وجود آورده است. این بهترین برنامه بازار کاری است که اصولاً ما می توانیم داشته باشیم. اما متأسفانه این یک گرایش نزولی است. در دهه ۶۰، سهم صنایع کوچک ما در آلمان به ۲۰ درصد مجموع صنایع بالغ می شد، اکنون اما به زیر ده درصد تقلیل یافته است.

اشپیگل: آیا برای این امر توضیحی دارید؟

هنسلر: اگر شما امروز از یک الکترومکانیسین بپرسید چرا به طور مستقل کار نمی کند، برایتان حساب خواهد کرد که با ۳۶ ساعت کار متعارف و هفت هزار مارک درآمد ناخالص ماهیانه، روزگار بهتری دارد. او شش هفته تعطیلات سالیانه، یک خانه و دو اتومبیل دارد و ناچار نیست هفته ای هفتاد ساعت در شرکتش کار کند. به اضافه این که ورشکسته هم نمی شود.

اشپیگل: در کشورهای دیگر هم شرایط برای کار مستقل بهتر نیست. با این وجود بسیاری از شاغلین، به کار مستقل می پردازند.

هنسلر: در آمریکا یا انگلیس شاغلین مانند این جا از این مقدار تامین شغلی برخوردار نیستند. به همین دلیل ریسک بیشتری هم می کنند. برای تشویق تاسیس شرکتهای جدید، باید به یک مدل جدید مالیاتی اندیشید. پیشنهاد نخست وزیر ایالت باواریا "ادمونداشتویبر"، مبنی بر معافیت مالیاتی برای این قشر، گامی در جهت صحیح است.

اشپیگل: آیا باید شرکتهای دیرپا نیز برای به وجود آوردن محل کارهای جدید دست به اقدامات بیشتری بزنند؟ تولیدات جدید، پهنه های رشد جدیدی که مشاغل بیشتری به وجود بیاورند کجا هستند؟

هنسلر: در خلال سالهای گذشته در رابطه با بسیاری مسائل کوتاهی شده، ما دانشمندان بسیار کارآموده ای داریم و نیز مراکز بسیار خوب تحقیقاتی دولتی و خصوصی. اما در آلمان تا یک کالا به بازار بیاید زمان درازی طول می کشد. آمریکایی ها یا ژاپنی ها در این حیطة، خیلی جلوتر هستند. اشپیگل: این اما به تنهایی عقب افتادگی مؤسسات آلمانی را توضیح نمی دهد.

هنسلر: نه. به عنوان نمونه الکترونیک را در نظر بگیرید. ما مدتاً بر تکنولوژی های کلیدی مانند نیمه هادی ها یا تکنیک اطلاعات تسلط نداشتیم. خوشبختانه در این میان شرایط مذکور دگرگون شده. صنعت اتومبیل سازی نیز قویاً نفس تازه کرد، امروزه از نظر ارزشی میزان فروش اتومبیل ما به ژاپن بیشتر از عکس همین روند است. اما حیطة هایی که ما در صدر آنها محسوب نمی شویم، خیلی زیاد هستند.

اشپیگل: چرا کارفرمایان به موقع در مقابل این روند واکنش نشان ندادند.

هنسلر: این روند نزولی، سال به سال و آهسته به جریان افتاد. شما می توانید یک سال تمام بگوئید این یک لغزش بود اما از این پس همه چیز بهتر خواهد شد. اما چیزی بهتر نشد، این را می توانید در آمار ثبت اختراعات بین المللی ما ببینید. در این محدوده ما در بین کشورهای بزرگ صنعتی به زودی رده آخر را اشغال خواهیم کرد.

اشپیگل: آیا دولت می تواند با یک پشتیبانی هدفمندانه از تحقیقات، در این زمینه کمکی کند؟
هنسلر: ما به یک دیدگاه مشترک کاملاً جدید در باره جایگاه تحقیقات و ساخت و پرداخت نیاز داریم. پیشترها ما یک ملت مخترع بودیم. به نامهایی همچون رودولف دیزل، ورترفن زمینس، کارل بنز یا گت لیب دایملر فکر کنید. ما اکنون از آن موقعیت فرسنگها فاصله داریم. به همین دلیل دولت هم باید یاری کند.

اشپیگل: این باید به چه ترتیبی باشد؟
هنسلر: امروزه هنگامی که یک شهروند با درآمد خوب، اسم صرفه جویی مالیاتی را می شنود، قاعدتاً نیروی تعقلش از کار می افتد. مردم سراسیمه سهام کشتی یا سهام مراکز خرید در ایالتهای جدید (آلمان شرقی سابق - م) را می خرند. به جای این بهتر است که اوراق بهادار مراکز تحقیقاتی را عرضه کنیم و میزان معافی مالیاتی در نتیجه خرید آنها را به ۱۵۰، ۲۰۰ یا حتی ۳۰۰ درصد افزایش دهیم. حتی اگر بخشی از یک طرح فرضی موفقیت آمیز باشد. تصور عمومی در باره ابتکارات تکنیکی مطمئناً تغییر خواهد کرد.

اشپیگل: آیا توافق اخیر دولت، کارفرمایان و اتحادیه های کارگری مبنی بر این که تا سال دو هزار، دو میلیون محل کار جدید می تواند به وجود بیاید را واقع بینانه می دانید؟

هنسلر: پیام را با کمال میل می شنوم. فقط نمی دانم بدان باور کنم. من فکر می کنم در مؤسسات بزرگ طی سالهای آتی هیچ محل کار جدیدی به وجود نخواهد آمد. برعکس پتانسیل عظیمی را در بخش خدماتی می بینم.

اشپیگل: آیا می خواهید در آلمان همانند آمریکا تعداد بیشتری محل کار ارزان با حقوق نامکفی به وجود بیاورید؟

هنسلر: این سرویس شغلی را اینگونه بی اعتبار نکنید. در آمریکا یک فرهنگ خدماتی کاملاً متفاوت از ما حاکم است، از آن باید درس گرفت. آنجا شما می توانید آخر هفته هم پیراهنتان را در هتل بدهید اتو کنند. شما می توانید مشاور خرید یا مد استخدام کنید. اینها، کارهای ابتکاری و خلاق هستند.

اشپیگل: در آلمان جا به جا کردن پاکتهای خرید بقیه، به عنوان شغلی شایسته تلاش، شناخته نمی شود.

هنسلر: به همین دلیل باید تغییر روش دهیم. این که یک فرد کارگر، زندگی کاری خود را تنها با یک تخصص و نزد یک کارفرما به پایان ببرد، به تدریج به امری نادر تبدیل می شود. در آینده نزدیک انسانها نیروی کار خود را در فازهایی معین به چندین کارفرما می فروشدند و در فازهایی دیگر تنها آموزش می یابند. در مقاطع دیگر زندگی به طور مستقل کار می کنند و در برخی فازها ابداء کار نمی کنند.

اشپیگل: برای کسی که تنها نان آور خانه است، حتی تصور این هم باید وحشتناک باشد.

هنسلر: چرا؟ برای آنها می توان به عنوان مثال رده های آموزشی فشرده شش تا هشت ماهه گذاشت. در این مدت آنها می توانند دانش

خود را با مواد جدید درم آمیزند و از آموزش بالاتری برخوردار شوند.

اشپیگل: و چه کسی در خلال این مدت خرجشان را میدهد؟

هنسلر: ما واقعاً یک ملت نازک نارنجی شده ایم. هر خانوار آلمانی به طور متوسط دارای یک ملک به قیمت ۱۲۰ هزار مارک و ۹۰ هزار مارک وجه نقد است. بنابراین این امر باید ممکن باشد.

اشپیگل: اینها ترخهای متوسط هستند. بخش بزرگی از کارگران مانند گذشته هیچ ثروتی ندارند.

هنسلر: این فقط در مورد یک سوم جمعیت کارکننده صادق است. ما در جامعه خود حداکثر ده درصد فقیر و نیازمند داریم. به آنها باید از طریق پرداختهای عمومی یاری رساند. نیمی از دو سوم بقیه کاملاً توانایی این را دارند که هر هشت ماه یا ده سال، شش تا هشت هفته دست از کار بکشند و از بخش مهمی از حقوقش صرف نظر کند. این امر سهم مهمی در دینامیزه کردن جامعه خواهد داشت.

اشپیگل: اگر مدل پیشنهادی شما بخواهد به اجرا بیاید باید مجموع سیستم تامین اجتماعی دگرگون شود. چرا که این موارد در آن پیش بینی نشده است.

هنسلر: ما باید به روده درازی در باره سیستم منجمد تامین اجتماعی مان خاتمه داده و آن را از بنیان دگرگون سازیم. قرارداد نسلیها، مدتهاست به دلیل نزول رشد جمعیت، افزایش مدت آموزش و افزایش میانگین سن به طور دو فاکتور از جانب نسل ما لغو شده است. چرا که بیمه بازنشستگی را به تدریج با پرنسب پوشش سرمایه (موجودی - م) منطبق نمی سازیم؟ ما می توانیم ادامه پرداخت حقوق در شرایط بیماری را بخش، بخش کرده و بگذاریم کارکنان خود انتخاب نمایند که آیا می خواهند در مقابل از دست دادن حقوق بر اثر بیماری، از روز اول آن بیمه شوند.

اشپیگل: به ایجاد بیشتر کارهای نیمه وقت هم می توان فکر کرد. چرا در آلمان این مسئله این اندازه سخت است؟

هنسلر: ما اولین مؤسسه ای بودیم که در پاسخ به این سؤال یک تحقیق جامع انجام دادیم. نتایج تحقیقات مذکور نشان داد که یک سوم شاغلین با وجود کاهش درآمد، با کمال میل حاضر به تقلیل حدود ۲۵ درصد ساعت کار خود هستند. اما شرط این است که از نظر حقوق اجتماعی، کار نیمه وقت و تمام وقت در یک مرتبه قرار بگیرند. متأسفانه هنوز چنین چیزی وجود ندارد. هلندیها در این زمینه با سهم بندی ۳۴ درصدی کار نیمه وقت، نمونه خوبی برای ما هستند. بیکاری در هلند حدود دو درصد کمتر از این جاست.

اشپیگل: آیا خودتان به عنوان سرمشق کاری کرده اید؟

هنسلر: در مؤسسه ما تقریباً یک پنجم مجموع مشاورین براساس کار نیمه وقت اشتغال دارند. بسیاری از همکاران من پس از پایان یک مأموریت، برای چندین ماه دست از کار می کشند تا خود را از نظر فکری تقویت کنند. علاوه بر این کلیه همکاران ما می توانند هر دو سال، دو ماه تعطیلات بدون حقوق بگیرند. کاری که اغلب هم می کنند.

اشپیگل: و ما همیشه فکر می کردیم کارکنان مک کینزی بیست و چهارساعته کار می کنند.

هنسلر: مدتهاست که دیگر این طور نیست، اما زمانی که یک طرح سریعاً باید به اتمام برسد، آن گاه این امر کاملاً محتمل است.

اشپیگل: آقای هنسلر، ما از شما به خاطر این گفتگو متشکریم.

به مناسبت
سالروز شهادت دکتر کاظم رجوی،

مروری به نحوه رسیدگی سازمان ملل و ارگانهای وابسته به آن به موضوع نقض حقوق بشر در ایران

گردآوری: انجمن فرهنگی نبرد - هلند

۵ سال پس از عدم صدور مجوز برای ورود آقای گالیندویل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به ایران توسط رژیم، آقای کاپیتورن نماینده ویژه جدید توانست از تاریخ ۱۰ تا ۱۶ ژانویه ۹۶ از تهران بازدید کند. در سال ۹۱ هنگامی که آقای گالیندویل در پی سفر سوم خود گزارشی مبنی بر ادامه نقض حقوق انسانها در ایران و لزوم ادامه نظارت بر حقوق بشر در ایران را به ملل متحد ارائه داد، رژیم اعلام داشت که دیگر اجازه ورود به ایران به آقای گالیندویل نخواهد داد. به موجب مصوبات کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، کشورهایی که در آنها حقوق بشر به شکل فاحش، نگران کننده و اصلاح ناشدنی، نقض می گردد، می بایست تحت نظارت قرار گیرند. بدین ترتیب نماینده ویژه ای جهت بررسی عمومی حقوق بشر در آن کشورها از سوی دبیرکل انتخاب و به کمیسیون معرفی می گردد تا به طور مرتب پس از دریافت گزارشها و در صورت امکان سفر و بازدید از کشور مذکور، گزارش نهایی خود را به کمیسیون ارائه نماید. جمهوری اسلامی از معدود کشورهایی است که به جهت نقض شدید ابتدایی ترین حقوق انسانها و عدم رعایت حداقل استانداردهای اعلام شده طی ۱۷ سال گذشته به طور مداوم تحت نظارت بوده است. در سفر اخیر آقای کاپیتورن هر چند که به جهت تمهیدات رژیم از جمله جلوگیری از ملاقات مردم با وی، عدم اجازه بازدید از زندانها و ملاقات با زندانیان و ترفندهای دیگر، وی نتوانست در خصوص موارد از پیش تعیین شده تحقیق نماید، اما همین گزارش ناقص حکایت از گستردگی نقض حقوق بشر در ایران دارد. بررسی گزارش نهایی آقای کاپیتورن را به فرصتی دیگر محول و در حال حاضر به بررسی تاریخچه نظارت ملل و ارگانهای وابسته به آن به موضوع حقوق بشر در جمهوری اسلامی می پردازیم.

در سال گذشته پس از انتخاب نماینده جدید دبیرکل در خصوص بررسی نقض حقوق بشر در ایران، رژیم اعلام کرد که حاضر است به طور مشروط نماینده ویژه را بپذیرد و اجازه بازدید وی از تهران را صادر نماید. این که رژیم پس از تمویض نماینده ویژه حاضر به پذیرش نماینده جدید شده فاقد زمینه تاریخی نیست. در سال ۱۹۸۹ نیز پس از انتخاب گالیندویل رژیم اعلام کرد که وی را می پذیرد. جهت پی بردن به این ترفند می بایست به طور گذرا مروری به موضوع حقوق بشر در ایران داشته باشیم. پس از انقلاب ضد سلطنتی، خمینی نماینده ارتجاعی ترین اندیشه قرن ما با هدف سرکوب تام و تمام آزادیهای اساسی و استقرار سلطه جابرانه اش با بسیج گروههای فشار، سانسور مطبوعات و حمله به نیروهای انقلابی، تاریخ سیاهی را به توده های تحت ستم ایرانی تحمیل نمود. از همان زمان که خمینی اعلام داشت روزنامه آیندگان را نمی خواند، مشخص شد که او با تمامی مفاهیم انسانی سر جنگ و ستیز دارد. او با فتوهای گوناگون و دستور سرکوب و کشتار مردم تا خرداد ۶۰، با حمله به دستاوردهای انقلاب از جمله کشتار خلفهای کرد و ترکمن و مخالفت با حق خودمختاری، سرکوب اقلیتهای مذهبی، دستور کشتار مردم به بهانه های واهی ضد انقلاب و جرائم مواد مخدر و منافی عفت در حالی که هنوز هیچ گونه

قانون مدونی در کشور حاکم نبود و کارنامه سیاهی را در زمینه حقوق بشر باز نمود. این که چرا موضوع نقض حقوق بشر در ایران به طور گسترده و اساسی در ملل متحد در سالهای اول پس از انقلاب مورد بررسی قرار نگرفت به جهت بحران ناشی از گروگان گیری سفارت آمریکا و فضای ناشی از انقلاب و آغاز جنگ بود.

وضعیت حقوق بشر در ایران نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در کمیسیون فرعی مبارزه با اقدامات تبعیض آمیز و حمایت از اقلیتها که یکی از مهمترین ارگانهای فرعی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد است در ارتباط با سرکوب اقلیتهای مذهبی به ویژه جامعه بهائیان، مطرح شد و در سپتامبر همان سال با صدور قطعنامه ای ضمن ابراز نگرانی از رفتار با اقلیتهای مذهبی از رژیم خواسته شد به موجب میثاقهای بین المللی، حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی تمامی افراد را محترم شمارد. در سپتامبر ۱۹۸۱ نیز همین کمیسیون ضمن ابراز نگرانی مجدد و اعلام این که تغییر در رفتار رژیم با اقلیتهای مذهبی صورت نگرفته با محکوم نمودن رژیم خواهان ارجاع موضوع به کمیسیون حقوق بشر ملل متحد گردید. کمیسیون حقوق بشر در جلسه سی و هشتم خود در ماه مارس ۱۹۸۲ با بررسی گزارشات و قطعنامه های صادره برای اولین بار رژیم را به جهت سرکوب آزادیهای اساسی محکوم و از دبیر کل ملل متحد خواست گزارش کاملی از وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه و به اجلاس بعدی ارائه نماید. سال بعد اما سالی بود که خمینی دستور کشتار نیروهای انقلابی، شکنجه و اعدام وحشیانه زندانیان سیاسی و مردم معترض را صادر نموده بود. دبیرکل ملل متحد در سال ۱۹۸۳ گزارش کاملی مشتمل بر اعدامهای فوری و بدون محاکمه، شکنجه و آزار و اذیت اقلیتهای مذهبی، تهیه و به کمیسیون حقوق بشر ارائه نمود. این کمیسیون در ماه مارس همان سال طی قطعنامه ۱۹۸۳/۳۴ رژیم را محکوم نمود.

در سال ۱۹۸۴ به جهت شدت سرکوب و اوضاع وخیم حقوق بشر در ایران و عدم پاسخ مناسب رژیم به درخواستهای کمیسیون حقوق بشر، موضوع نظارت بر حقوق بشر در ایران و تعیین نماینده ای ویژه در دستور کار قرار گرفت. بدین ترتیب به موجب قطعنامه ۱۹۸۴/۵۴ کمیسیون حقوق بشر با محکوم نمودن رژیم ایران، آقای آندره آگیلار را به عنوان نماینده ویژه انتخاب و از رژیم خواست با وی جهت بازدید از ایران همکاری نماید. پس از آن نماینده ویژه طی نامه هایی به وزارت خارجه رژیم درخواست بازدید فوری و بدون قید و شرط از ایران را نمود. اما رژیم که می دانست در صورت ورود نماینده ویژه با رسوایی غیر قابل جبران روبرو می گردد، با ورود آقای آگیلار مخالفت نمود. نماینده ویژه با ارائه گزارش شماره E/CN/۱۹۸۵/۲۰ اعلام داشت علاوه بر عدم اجازه بازدید از ایران وضع حقوق بشر در این کشور وخیم و نگران کننده است. این گزارش که مشتمل بر مواردی از قبیل اعدام و شکنجه، سلب حق حیات و آزادیهای فردی و اجتماعی، سرکوب اقلیتهای قومی و مذهبی بود موجب صدور قطعنامه محکومیت رژیم ایران با اکثریت بیشتر و شدتی قابل توجه نسبت به سالهای قبل توسط کمیسیون حقوق بشر گردید. نماینده دائمی رژیم در ملل متحد که به جهت مستند بودن گزارش قادر به ارائه هیچ پاسخی نبود می کرد با توسل به اتهامهای ناروا نسبت به نماینده ویژه دبیر کل و نیروهای سیاسی مخالف رژیم که تامین کننده اصلی اطلاعات مندرج در گزارش بودند، اذهان عمومی را از توجه به اوضاع وخیم حقوق بشر در ایران منحرف نماید که البته حاصلی برای رژیم نداشت. در همین سال مجمع عمومی ملل متحد نیز با صدور قطعنامه ۴۰/۱۴۱ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ با رأی اکثریت

اعضای ملل متحد رژیم را برای اولین بار محکوم و ماموریت نماینده ویژه را تمدید و از جمهوری اسلامی درخواست نمود که چون دولت ایران در سالهای قبل میثاقهای بین المللی حقوق فردی و اجتماعی را امضاء نموده، این تمهیدات را محترم شمارد. رویه محکومیت رژیم در سازمان ملل و ارگانهای وابسته به آن ادامه داشت تا این که در ژوئیه ۱۹۸۶ پس از استعفای آقای آگیلار، از سوی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، آقای گالیندویل به عنوان نماینده ویژه انتخاب و مشغول گردید.

آقای گالیندویل نماینده ویژه جدید نیز طی تماسهایی از رژیم درخواست اجازه بازدید از ایران را نموده او هم چنین اعلام داشت در صورتی که نمایندگی رژیم نسبت به موارد نقض حقوق بشر در ایران پاسخ و یا ادعایی دارد اعلام نماید. به جهت مخالفت مجدد رژیم با بازدید نماینده دبیرکل از ایران و عدم پاسخ به موارد نقض حقوق بشر مندرج در گزارش نماینده ویژه در سال ۱۹۸۶ مجدداً کمیسیون حقوق بشر ملل متحد جمهوری اسلامی را محکوم و مجمع عمومی ملل متحد نیز به موجب قطعنامه ۴۱/۱۵۹ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ اعلام کرد، در صورتی که رژیم جمهوری اسلامی مدعی است وضعیت حقوق بشر در ایران مناسب است چرا با ورود نماینده ویژه موافقت نمی نماید. مجمع عمومی همچنین ضمن محکوم نمودن رژیم اعلام کرد که اساساً ارزش گزارش نماینده ویژه در بدون شرط بودن آن است. محکومیتهای متوالی رژیم از سوی ارگانهای مختلف ملل متحد تا اواخر سال ۱۹۸۸ ادامه داشت.

با مرگ خمینی در سال ۱۹۸۹ این نظریه که رژیم اصلاح پذیر بوده و با رئیس جمهوری رفسنجانی عصر نوینی با چهره دیگری از رژیم اسلامی مواجه خواهیم شد، به طرق مختلف تقویت شد و رژیم با ورود نماینده ویژه دبیرکل به ایران، مشروط به این که گزارشی علیه رژیم صادر نگردد موافقت نمود. بدین ترتیب گالیندویل از ۲۰ تا ۲۸ ژانویه ۱۹۹۰، در حالی که لیست بسیاری از موارد شکنجه و اعدام و نقض حقوق بشر در ایران برای وی ارسال و متعهد بود ضمن پی گیری با قربانیان نقض حقوق بشر و خانواده های آنها ملاقات نماید لز ایران بازدید نمود. اولین سفر گالیندویل که کارشناسان حقوق بشر از آن با عنوان سازش پائیز ۱۹۸۹ یاد می کنند با بندوبستهای سیاسی و سازشهای پشت پرده به نوعی سبب تیره نسبی رژیم از اتهامات وارده شد در حالی که گالیندویل به هیچ یک از موارد نقض حقوق بشر در ایران رسیدگی نکرده بود وضع حقوق بشر را به میزانی مناسب توصیف نمود. این گزارش هرچند در کوتاه مدت موجب خوشحالی و شادمانی رژیم گردید اما باعث لکه دار شدن حیثیت و صلاحیت گالیندویل به عنوان فعال حقوق بشر شد. موج اعتراض نسبت به گالیندویل از سوی نیروهای سیاسی و سازمانهای حقوق بشری گسترش یافت به شکلی که جانشین دبیرکل اعلام داشت نظر گالیندویل صرفاً به عنوان نماینده کمیسیون حقوق بشر است و او ملل متحد را در تمامیت آن نمایندگی نمی کند. گزارش اول گالیندویل در عین حال منافع توده های تحت ستم ایران و حقانیت مبارزه آنها علیه رژیم را نشانه گرفته بود اولین عکس العمل رژیم، ترور دکتر کاظم رجوی در سوئیس و در خطر قرار گرفتن حق پناهندگی ایرانیان بود. رژیم که گمان می کرد با این سازش توانسته موفقیت بین المللی به دست آورد با سفر دوم گالیندویل به تهران موافقت نمود. سفر دوم از تاریخ ۹ تا ۱۵ اکتبر ۱۹۹۰ در حالی صورت گرفت که رژیم به چند فقره ترور فعالین سیاسی در خارج کشور دست زده بود و موج اعتراض نسبت به گزارش اول او همچنان ادامه داشت. شورای ملی مقاومت

بقیه در صفحه ۱۲

شرط همکاری خود با گالیندوپل را بر این اساس استوار ساخت که وی از هر گونه سازشی با رژیم خودداری کرده و واقعیت اوضاع وخیم حقوق بشر در ایران را اعلام نماید. آقای رجوی مسئول شورا در پیامی خطاب به مردم ایران به ویژه خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی از آنها خواست در خلال سفر گالیندوپل گزارشات مربوط به شکنجه، اعدام و موارد نقض حقوق بشر را در اختیار وی قرار دهند. گزارش سفر دوم گالیندوپل هر چند که حاوی تمامی موارد مربوط به نقض حقوق بشر نبود اما بخش مهمی از این موارد را اعلام داشت به شکلی که موجب خشم سردمداران رژیم گردید. در این گزارش نماینده ویژه صراحتاً بر عدم بهبود وضعیت حقوق بشر و وخیم بودن آن صحنه گذاشت. سومین و آخرین سفر گالیندوپل به تهران در دسامبر ۱۹۹۱ و به همراه هیأتی از صلیب سرخ صورت گرفت. گزارش آن سفرچهره رژیم و نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران را به طور کامل افشا نمود به شکلی که رژیم با اعلام شکست طرح سازش خود ورود آقای گالیندوپل به تهران را برای همیشه ممنوع اعلام و هیأت صلیب سرخ را نیز اخراج نمود.

حکومت رژیم تاکنون ادامه داشته و رژیم ۳۶ نوبت به جهت نقض حقوق انسانها از سوی مجامع بین المللی محکوم گردیده است. نکات مهم در این محکومیتها و برخورد رژیم با مجامع بین المللی را می توان در موارد زیر جمع بندی نمود.

۱- هر سال محکومیتها و قطعنامه های صادره از جهت کیفی از لحاظ شدیدتر نسبت به سال قبل برخوردار بوده و آرای کشورهایی که به محکومیت رژیم رای مثبت داده اند از نظر کمی بیشتر بوده است. کشورهایی که نسبت به محکومیت رژیم رای منفی داده اند عموماً از کشورهایی هستند که خود به جهت نقض حقوق مردم کشورشان در معرض اتهام قرار دارند و یا به جهت منافع نزدیک و تنگاتنگ در کنار رژیم قرار گرفته اند.

۲- در طی این سالها هیچگاه رژیم نتوانست نسبت به رد موارد اعلام شده پاسخی ارائه دهد و عموماً به تهدید و افترا نسبت به گزارش و نماینده ویژه دبیرکل متوسل شده است.

۳- سهم اساسی در تامین اطلاعات ارائه شده به نماینده ویژه و مجامع بین المللی و پی گیری حقوق بشر در ایران را شورای ملی مقاومت و به ویژه تا سال ۱۹۹۰ شهید دکتر کاظم رجوی به عهده داشته است.

۴- رژیم سعی نمود با ارائه طرحهایی انحرافی نظیر حقوق بشر اسلامی و توسل به حیل و فریب و کمک گرفتن از کشورهای مرتجع منطقه، موضوع نظارت بر حقوق بشر در ایران را منتفی کند که تا کنون موفق نگردیده است. هرگاه مجامع بین المللی به هر دلیلی به سازش با رژیم تن داده اند، حاصلی جز بی اعتباری خود آنها و شدت سرکوب و ترور در ایران به بار نیاورده است.

۵- هر سال در گزارش مربوط به موارد نقض حقوق بشر در ایران نسبت به سال قبل به موارد جدیدی اشاره می شود. گسترده بودن این موارد گاهی به ابتدایی ترین حقوق شهروندی تسری یافته است.

با توجه به محکومیتهای پیاپی و عدم پایبندی رژیم به معاهدات بین المللی و تن ندادن به ابتدایی ترین خواسته های مردم ایران، لازم است مجامع بین المللی برای قیولاندن قطعنامه های صادره ضمانت اجرای وی از جمله اعمال مجازاتهای ویژه را در مورد رژیم در نظر بگیرند. □

ایالات متحده آمریکا پرده از اسرار اتمی دوران جنگ سرد را بر می دارد

تاریخ : سه شنبه ۶ فوریه ۱۹۹۶
منبع : سرویس خبری نیویورک تایمز
نویسنده : ویلیام براد
مترجم : لیلا

تجارت در مواد مرگزای رادیواکتیو که سوخت سلاحهای اتمی است، یکی از موضوعاتی است که وزارت انرژی روز سه شنبه علناً و برای اولین بار مورد بحث قرار داده و اسرار پلوتونیمهایی که تا به حال در دسترس دولت آمریکا بوده است را برملا می کند. این اسرار به درخواست پریزیدنت کلینتون و هیژل الیری، وزیر انرژی، در زمانی که جنگ سرد خاتمه یافته فاش می گردد.

نیویورک - ایالات متحده آمریکا در عصر اتم بدون هیچ سر و صدایی نزدیک به یک تن پلوتونیم به ۳۹ کشور جهان فرستاده است. این کشورها شامل آرژانتین، هند، ایران، عراق، اسرائیل، ژاپن، نیوزلند، پاکستان، آفریقای جنوبی، سوئد، ترکیه، اوروگوئه و ونزوئلا می باشند. از طرفی دیگر نیز مخفیانه حدود ۶ تن پلوتونیم از کشورهای مانند کانادا، تایوان و انگلیس تحویل گرفته است.

تجارت در مواد مرگزای رادیواکتیو که سوخت سلاحهای اتمی است، یکی از موضوعاتی است که وزارت انرژی روز سه شنبه علناً و برای اولین بار مورد بحث قرار داده و اسرار پلوتونیمهایی که تا به حال در دسترس دولت آمریکا بوده است را برملا می کند. این اسرار به درخواست پریزیدنت کلینتون و هیژل الیری، وزیر انرژی، در زمانی که جنگ سرد خاتمه یافته فاش می گردد. وزارت انرژی مسئولیت کامل سلاحهای هسته ای و همچنین تجارت دولتی مواد خام هسته ای را به عهده دارد. این وزارتخانه همچنین اسرار شکل، مقدار و مکان ۲۰۰ تن پلوتونیم و اورانیوم بسیار قوی موجود در ۱۹ ایالت را که آقای کلینتون سال گذشته بی نیازی آن برای دفاع ملی را اعلام کرد، فاش می گرداند. دیگر آن که موجودی کل پلوتونیم دولت در حال حاضر - سلاحهای اتمی و ذخایر - که توسط متخصصین خصوصی در این امر ۹۹/۵ تن تخمین زده شده، مورد بررسی قرار می گیرد. تا به حال هیچ کشور دارای سلاحهای هسته ای اسرار اتمی خود را فاش نکرده است. دولت کلینتون سعی دارد سرمشقی باشد برای دیگر کشورها که آنان نیز چنین عمل کنند. به طور ویژه روسیه، زیرا رسیدگی به چندین توافقنامه و معاهده خلع سلاح با روسیه مستلزم گشودگی بیشتر از آن چه تا کنون بوده، می باشد. تاماس کرکوران یک دانشمند ارشد شورای دفاع منابع طبیعی می گوید: "ما باید الیری وزیر انرژی را به خاطر این اقدام تحسین کنیم".

یک جمعیت مستقل که موضوعات مربوط به مواد هسته ای را دنبال می کند می گوید: "ما هرگز قادر نخواهیم بود این سلاحها و مواد را به طور کامل از بین ببریم مگر آن که حساب دقیق آن در دسترسمان باشد. خاتم الیری هم اکنون پیش قدم در این امر هستند". پلوتونیمی که به ۳۹ کشور جهان فرستاده شده تحت برنامه ای به نام اتم صلح صورت گرفته که دولت آیزنهاور به منظور کمک به توسعه نیروگاههای اتمی آنها ایجاد کرده بوده. پلوتونیمها از درجه سوختی بوده و نه انفجاری. با وجود این که فرانسه، آلمان، ژاپن و انگلیس کمیت قابل ملاحظه ای برای توسعه نیروگاههای خود دریافت کرده اند بسیاری از دیگر کشورها مقدار کمی که اغلب در تحقیقات هسته ای و یا تحقیقات اندازه

گیری رادیواکتیو استفاده می شود، دریافت کرده اند. برای مثال، بین سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۰ آرژانتین کمتر از یک دهم کیلوگرم، هند بین سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ کمتر از یک دهم کیلوگرم، عراق کمتر از یک دهم کیلوگرم بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۹ و اسرائیل به مقدار شش دهم کیلوگرم بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۹ دریافت کرده اند

متخصصین غیر وابسته می گویند، اگر چه این مقدار در بسیاری از مواقع بی خطر بوده،

در مواردی بدون شک به توسعه سلاحهای هسته ای کمک کرده است.

لئونارد اسپکنر متخصص سلاح در سخنرانی خود پیرامون صلح بین المللی در واشنگتن می گوید: "بسیاری از این مبادلات در زمانی صورت گرفته که مردم ساده لوحانه فکر می کردند برنامه های کمک در ایجاد نیروگاههای اتمی را می توان بدون آن که پتانسیل ساخت سلاح در آن باشد، پیش برد. با وجود این که ایالات متحده حدود ۷۰۰ کیلوگرم پلوتونیم به خارج فرستاده و در سال ۱۹۸۰ آن را قطع کرده، هنوز به اژانس بین المللی انرژی اتمی واقع در وین - نگهبان اتمی جهان - پلوتونیم می فرستد.

این گزارش همچنین برملا می کند که بین سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۰ ایالات متحده در مقابل پرداخت ۶/۷ کیلوگرم تریتوم و ۷/۵ تن اورانیوم قوی که هر دو مصرف سوخت سلاحهای اتمی هستند، ۵/۴ تن پلوتونیم دریافت کرده است.

تاماس کرکوران یک دانشمند ارشد شورای دفاع منابع طبیعی می گوید: "ما باید الیری وزیر انرژی را به خاطر این اقدام تحسین کنیم". یک جمعیت مستقل که موضوعات مربوط به مواد هسته ای را دنبال می کند می گوید: "ما هرگز قادر نخواهیم بود این سلاحها و مواد را به طور کامل از بین ببریم مگر آن که حساب دقیق آن در دسترسمان باشد. خاتم الیری هم اکنون پیش قدم در این امر هستند".

همه می دانند که بخشی از پلوتونیم وارداتی از انگلیس در سلاحهای هسته ای استفاده شده که در سال ۱۹۶۲ در نوادا منفجر شد. از تایوان نیز ایالات متحده آمریکا بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۱ به مقدار ۷۹/۱ کیلوگرم مواد اتمی وارد کرده که مقدار چشمگیری از آن از لوله های پوسیده رآکتورها، جایی که دهها سال در آن ساخته شده بودند جدا نشده. آمریکا سعی کرده است تایوان را از ساخت سلاحهای هسته ای باز دارد. رویه مرفقه واردات آمریکا از کشورهای خارجی ۵/۷ تن بوده که شامل ۲۵۴ کیلوگرم از کانادا (متفق اتمی آمریکا) بوده است. این گونه تجارت با کانادا ۵ سال پیش خاتمه یافت. روز سه شنبه همچنین فاش می گردد که مقدار ۲۰۰ تن پلوتونیم و اورانیوم که آقای کلینتون آنها را اضافه بر نیاز اعلام کرد، در قرارگاههای دولتی واقع در کارولینای جنوبی، تنسی، تگزاس، کلرادو، آیداهو، نیومکزیکو، نیویورک، اوهایو و واشنگتن می باشد. مقامات وزارت انرژی گفته اند که افشاء محل، شکل و مقدار این مواد به جهت پیدا کردن راه مقابله با آن اهمیت بسیار دارد. نهایتاً این که وزارت انرژی تصمیم دارد که قانون چندین ساله ای را که آشکار کردن امور مربوط به انرژی اتمی نیاز به دستور دولت دارد را حذف کرده و به جای آن یک دستور عمل جدید ارائه شود که پس از این اطلاعات مربوط به آن علنی گشته و تاکید بر آشکاری و نه پنهانی باشد.

سرکوب، تروریسم و بنیادگرایی در جهان

فراخوان روشنفکران فرانسوی

خبرگزاری فرانسه روز ۳ فروردین اعلام کرد که بیش از پانزده تن از روشنفکران فرانسه، از جمله فانکل کرو، آلن تورن و فیلیپ سولر با امضای یک فراخوان یکی کردن اسلام و تروریسم را رد کردند و ضمن حمایت از روشنفکران و نمایندگان اسلام در فرانسه تاکید نمودند که "آنها با ما هستند".

این روشنفکران اعلام کردند "سوء قصدهای حماس، جهاد، حزب الله، جماعت الاسلام، فیس، جنگ طالبان، فتوا علیه رشدی، ترور ایرانیان، آیا اینها از اسلام هستند؟ ما فکر می کنیم که نیست، و ما از روشنفکران و نمایندگان اسلام در فرانسه که می گویند با ما هستند حمایت می کنیم".

این فراخوان توسط هنری آتلان، پیربره، آندره بورژیسه، هنری کارتیه برسون، خانم آندره شدید، میشل دوگی، اولیویه دوهمال، ژان پیرفای، آلن فانکل کرو، برنارد فرانک، خانم ایوان نابوکوو، لویی ادوارد پتیستی، ژان فرانسوایس، آلن تورن، فیلیپ سولر امضا شده است.

قاچاق اسلحه

پلیس فرانسه گفت سه نفر که مظنون به عضوگیری برای قاچاق سلاح به شورشیان الجزایری هستند، بازداشت گردیده اند. دو فرانسوی و یک الجزایری در منزلشان نزدیک پخسان بمون، در شمال پاریس دستگیر شدند. پلیس گفت این سه تن از قبل توسط اداره پلیس شناسایی شده بودند. هیچ سلاحی در منزل آنها یافت نشد. بازرسان مظنونند که این افراد با دو الجزایری در ارتباط باشند. این دو الجزایری، از قبل متهم به قاچاق سلاح برای گروه مسلح اسلامی در الجزایر می باشند.

آسوشیتدپرس ۶/فروردین/۷۵

عفو بین الملل و شکنجه در ایران

سازمان عفو بین الملل، با انتشار بیانیه بی در لندن ابراز نگرانی کرد که گروهی از روحانیون مخالف رژیم در زندان مورد شکنجه قرار گرفته اند. عفو بین الملل از مراجع، افکار عمومی و سازمانهای جهانی درخواست کرد برای نجات این روحانیون به تلاش بپردازند. رادیو اسرائیل در برنامه روز ۴ فروردین اسامی گروهی از روحانیونی که در زندان رژیم به سر می برند را بدین قرار اعلام کرد: تقی ذاکری ۴۱ ساله، عبدالرحمان حائری ۳۲ ساله، سیدعبدالرسول موسوی ۴۰ ساله، طالب صالحی ۲۴ ساله، محمدفاضل محمدصفا ۲۳ ساله و هم چنین محمدعلی معاش ۲۴ ساله، فوادفوجیان ۳۰ ساله، محمدجعفری ۴۲ ساله، هادی آخوند ذاکری ۲۹ ساله، فیاض فوجیان ۲۵ ساله، سید مرتضی شیرازی ۲۹ ساله و جعفر حائری، صالح هدایتی، سید عباس موسوی، احمد و جلال آخوند هم چنین ۹ نفر دیگر. عفو بین الملل در بیانیه خود ابراز نگرانی کرد که افراد نام برده در زندان شدیداً شکنجه شده اند.

این شکنجه ها انواع متعدد دارد که شیوه هایی را چون شوک برقی، آویزان کردن افراد از پا، جلوگیری از خواب برای یک مدت طولانی و شیوه های دیگری را شامل می گردد. سفارت حکومت اسلامی در لندن این اتهامات را شدیداً تکذیب کرده است. همه نامبرندگان مریدان و شاگردان آیت الله شیرازی هستند و در واقع زندانیان سیاسی محسوب می گردند".

مخالفت با صلح خاورمیانه

علی خامنه ای گفت کشورش تسلیم فشارهای غرب نخواهد شد و از مخالفتش با روند صلح در خاورمیانه دست برنخواهد داشت. تلویزیون ایران به نقل از سخنرانی خامنه ای در مشهد اعلام کرد: "ما می دانیم که ریشه دشمنی آمریکا علیه ایران در حمایت ما از حقوق مردم فلسطین است، ولی ما از قتل عام این ملت پشتیبانی نخواهیم کرد". او ارزیابی کرد: "ایران کشوری نیست که بتوان با فشار و تهدید آن را مجبور به تغییر مواضعش کرد". او افزود: "آنهايي که فکر می کنند که می توانند از طریق زور و فشار روی ما نفوذ داشته باشند، به شدت در اشتباه به سر می برند".

خبرگزاری فرانسه ۴/فروردین/۷۵

اعدام یک زندانی سیاسی

رادیو اسرائیل در برنامه روز ۶/فروردین خود گفت: "یک گروه مخالف حکومت اسلامی ایران با انتشار بیانیه بی اعلام کرد که یکی از اعضای فعال آن به دستور مقامات رژیم اعدام گردیده است. سازمان موحدین آزادیخواه ایران که در داخل کشور فعالیت زیرزمینی دارد، اعلام کرد یک عضو فعال آن به نام رسول باوند با نام سازمانی واقف روز چهارشنبه اول فروردین ماه در شهر ارومیه، رضائیه اعدام شده است. وی یک سال پیش به زندان افتاد و مورد شکنجه های شدید قرار گرفت. رسول باوند که هنگام اعدام ۲۵ سال داشت، در پیرانشهر متولد شده بود.

حکم دادگاه حقوق بشر اروپا

دادگاه حقوق بشر اروپا به ترکیه دستور داد به دو تن از فعالین چپ در این کشور که پس از دستگیری مجبور شدند ۸ سال منتظر محاکمه شان قرار بگیرند، خسارت بپردازند. ولی این دادگاه تصمیمی راجع به اتهاماتی که این دو عضو جنبش راه انقلابی به دولت ترکیه وارد ساخته اند، مبنی بر این که از یک محاکمه عادلانه برخوردار نبوده اند، اتخاذ نکرد.

خبرگزاری رویتر ۶/فروردین/۷۵

در الجزایر

منابع امنیتی الجزایر گفتند ۷ روحانی فرانسوی از صومعه مسیحی در الجزیره توسط بنیادگرایان اسلامی ربوده شدند. خبرگزاری الجزایر

به نقل از منابع امنیتی گفت آنها از یک صومعه واقع در شهر مدآ در ۷۰ کیلومتری الجزیره در اولین ساعات روز ۸ فروردین ربوده شدند. نیروهای امنیتی الجزایر در اطلاعیه خود این گروگانگیری را به عهده گروه مسلح اسلامی که مسئول به گروگان گرفتن سه کارمند سفارت فرانسه در سال ۱۹۹۳ است، گذاشت. خبرگزاری رویتر که خبر بالا را مخابره کرده روز ۱۶ فروردین از قول یک روزنامه چپ الجزایر اعلام کرد که "درگیریهای که در مرکز الجزایر رخ داد، ۴ بنیادگرای مسلمان از جمله یک زن به قتل رسیدند. روزنامه فرانسه زبان لیبرته گزارش کرد، درگیری هنگامی شروع شد که نیروهای امنیتی برای تصرف یکی از مخفیگاههای بنیادگرایان، منطقه بی را بسته بودند، و یک زن بنیادگرا با مسلسل به روی این نیروها آتش گشودند. در آشوبهای الجزایر از سال ۱۹۹۲ تاکنون نزدیک به ۵۰ هزار تن کشته شده اند".

سرکوب بهائیان

کنگره آمریکا سرکوب اقلیت مذهبی بهایی در ایران را محکوم کرد. مجلس نمایندگان آمریکا به اتفاق آراء قطعنامه بی را به تصویب رساند که طی آن اعلام شده رژیم ایران باید "جامعه بهایی ایران را آزاد گذارد" و به عدم بردباری مذهبی پایان دهد. آسوشیتدپرس که در روز ۹ فروردین این خبر را مخابره نمود اعلام کرد که: "این هفتمین قطعنامه کنگره آمریکا از سال ۱۹۸۲ در رابطه با بهائیان است. تعداد بهائیان در ایران، جایی که این مذهب در قرن نوزدهم ظهور یافت، ۳۰۰ هزار تن می باشد. در حال حاضر حدود ۵ میلیون بهایی در جهان وجود دارد که ۱۲۰ هزار تن از آنها در امریکا زندگی می کنند.

بنیامین گیلمن رئیس کمیته روابط بین المللی مجلس آمریکا طی سخنرانی خود "تقص سیستماتیک و خشونت آمیز اساسی ترین حقوق انسانی و آزادی عقیده توسط ملامهای ایران را محکوم کرد. هفتاد نماینده مجلس از این قطعنامه پشتیبانی کردند. یک قطعنامه مشابه نیز قرار است در سنا به تصویب برسد.

صدور حکم جلب فلاحیان

یک وکیل آلمانی تلاش می کند که حکم جلب علیه وزیر ایرانی را علنی سازد. روز ۹ فروردین وکیل خانواده های سه تن از رهبران کرد که در سال ۱۹۹۲ در برلین به قتل رسیدند، خواستار این شد که حکم دستگیری رئیس سرویسهای جاسوسی ایران در دادگاه علنی شود. هانس اریش وکیل قربانیان تقاضا کرد که محتوای حکم جلب که وزیر ایرانی، علی فلاحیان را متهم به طراحی حمله می کند، در دادگاه قرائت شود و به این ترتیب این موضوع علنی گردد.

خبرگزاری رویتر

سرکوب ، تروریسم و بنیادگرایی

بقیه از صفحه ۱۳

دستگیری بنیادگرایان

وزارت کشور فرانسه اعلام کرد که روز سه شنبه هفت تن از اعضای یک شبکه پشتیبانی از بنیادگرایان اسلامی را که مسئول قتل دو توریست اسپانیایی در سال ۱۹۹۴ در یک هتل مراکشی بودند، دستگیر نمود. به دستور ژان لویی بروگنر قاض ضد تروریست فرانسه، این هفت تن در کادر تحقیقات راجع به شبکه های تروریستی مورد محاکمه قرار خواهند گرفت. مقامات قضایی گفتند دو تن از بنیادگرایان اسلامی به اتهام طراحی یک اقدام تروریستی در سال گذشته به مناسبت سالگرد هواپیما ربایی یکی از هواپیماهای شرکت ایرفرانس که در سال ۱۹۹۴ در الجزایر ربوده شده بود، مورد محاکمه قرار خواهند گرفت.

خبرگزاری رویتر ۱۴/فروردین/۷۵

خشونت در بحرین

روزنامه تایمز (چاپ انگلستان) در شماره روز ۱۵/فروردین/۷۵: "در باره وخیم تر شدن اوضاع بحرین نوشته است: "روز گذشته لردایوبری رئیس گروه حقوق بشر پارلمان گفت اگر خاندان الخلیفه به نقض حقوق بشر ادامه دهند، بحرین به سوی اوج خشونت سوق پیدا خواهد کرد. لردایوبری در هنگام اعلام گزارشی در مورد این امیرنشین گفت: ما به طرف فاجعه بی روان هستیم که ابعادش برای منطقه غیر قابل تصور است. او به امتناع لندن برای دخالت در مورد اعدام عیسی احمد حسن، که به قتل یک پلیس مجرم شناخته شده است، اشاره کرد. فعالان حقوق بشر از این بابت نگرانند که وی تحت شکنجه اعتراف کرده است."

بوسنی - رژیم ایران و آمریکا

خبرگزاری فرانسه روز ۱۷/فروردین خیر لس آنجلس تایمز، را مخابره نمود. این روزنامه نوشته است که: "با وجود تحریم سازمان ملل بیل کلینتون با یک طرح سری که براساس آن اسلحه از مبدأ ایران برای بوسنی، ارسال شود، موافقت کرده بود. به گزارش این روزنامه که از یک مسئول عالی رتبه نقل می کند، دو دیپلمات امریکایی که حامل دستورات کاخ سفید و وزارت خارجه بودند به رئیس جمهور کروات فرانجو توجمان گفتند که واشنگتن مخالفتی با تامین آذوقه موقت تسلیحاتی برای دولت بوسنی، ندارد. به گفته همین روزنامه، رئیس جمهور آمریکا به طور مستقیم در این تصمیم شرکت داشته است." کاخ سفید این خبر را تکذیب کرد. مایکل مک کوری، سخنگوی کاخ سفید، اعلام کرد: "آمریکا همواره قوانین و قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد را رعایت کرده است."

هیأت ترویکا

هیأت اعزامی اتحادیه اروپا رژیم ایران را تحت فشار زیادی گذاشت تا در برابر تروریسم موضع قاطعی گرفته و از پروسه صلح خاورمیانه

حمایت کند. به گزارش آسوشیتدپرس گفتگوهای "خیلی بی پرده ای" در این هفته در تهران جریان داشت، اما فرانسه روز ۱۷ فروردین اعلام کرد که این هیأت هیچ گونه نتیجه ای نگرفته است.

ژاک روملهارت سخنگوی وزیر خارجه فرانسه در مصاحبه مطبوعاتی روزانه در پاسخ به سؤال خبرنگاران گفت: "این ملاقات یک بحث خیلی خیلی بی پرده ای را در برداشت."

روملهارت گفت: "هیأت سه جانبه پیام خود را به ایران ارائه داد. و این پیام چنین است: "اروپائیان از ایران می خواهند که یک موضع روشن در رابطه با تروریسم و روند صلح خاورمیانه اتخاذ کند." این سخنگو بدون این که حاضر به دادن توضیح بیشتری باشد گفت متن ریز مذاکرات در نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ در ۳ اردیبهشت مورد بررسی قرار خواهد گرفت."

تدارک بلوا در مکه

خبرگزاریها گزارش نمودند که سرپرست حجاج ایرانی محمد ریشهری روز ۱۸ فروردین گفت که: علیرغم دستور صریح عربستان سعودی در مورد جلوگیری از تظاهرات سیاسی در ایام اجرای مناسک مذهبی حج زائران، به برگزاری مراسم موسوم به براثت از مشرکین خواهند پرداخت، ری شهری افزود ندای مرگ بر استکبار و فریاد مستضعفین جهان باید در جریان مناسک الهی حج شنیده شود. خبرگزاری رویتر روز شنبه ۱۸/فروردین اعلام کرد که، رفسنجانی رئیس جمهور ایران گفت گردهمایی های سیاسی حجاج ایرانی در عربستان سعودی به منظور برهم زدن قانون و نظم عمومی در این کشور نیست. رفسنجانی گفت: "تظاهرات براثت از مشرکین در طول مراسم حج به منظور برهم زدن نظم در کشور مسلمان عربستان سعودی نمی باشد، بلکه جزء اصول تغییر ناپذیر مذهبی ما است. خبرگزاری ایرنا گفت رفسنجانی این سخنان را در جمع شورای هماهنگ کننده حج که امسال در اواخر ماه آوریل برگزار می شود، بیان نمود. رفسنجانی گفت: "اهمیت مراسم براثت از مشرکین باید با شیوه های بهتر و مناسب تر به جهان اسلام توضیح داده شود تا اهداف والای سیاسی و معنوی حج برجسته گردد."

بنیاد "فرانسه - آزادیها"

یک سازمان غیر دولتی فرانسه اخیراً به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو گزارش داد که، دولت بحرین به تعداد دستگیریهایی و خشونتها افزوده است. ۱۱۰۶ نفر به ویژه کودکان به دلیل سیاسی در زندان به سر می برند. بنیاد "فرانسه - آزادیها" به ریاست دانیل میتران، همسر رئیس جمهور سابق فرانسه هم چنین به اخبار مربوط به "اعدامها بدون محاکمه یا محاکمات ناعادلانه در ایران" را یادآوری کرد. این بنیاد خاطر نشان ساخت که دهها کرد به اتهام عضویت در حزب دموکرات کردستان از سال ۱۹۸۰ در اسارت به سر می برند هنوز مورد محاکمه قرار نگرفته اند.

خبرگزاری فرانسه ۱۸/فروردین/۷۵

فلسطین

حکومت خودگردان فلسطینی طی بیانیه ای گروههای تروریستی حماس و جهاد اسلامی را

متهم ساخت که به توطئه علیه جان یاسر عرفات پرداخته اند. از این روی، آشتی بین حکومت خودگردانی و این گروهها امکان پذیر نیست. در بیانیه حکومت فلسطینی آمده است توطئه های دو گروه حماس و جهاد اسلامی برای برانداختن حکومت خودگردانی جایی برای راه سازش باقی نمی گذارد. به همین دلیل شب گذشته، سفر هیأت فلسطینی که قرار بود از غزه رهسپار اردن شود تا به مذاکرات آشتی جویانه با مسئولان حماس در خاک اردن بپردازد، به تعویق افتاد.

رادیو اسرائیل ۱۹/فروردین/۷۵

لایحه تشدید مجازاتهای شرکتیهای خارجی

یک کمیته مجلس نمایندگان آمریکا روز ۳/فروردین ۷۵ به اتفاق آراء لایحه ای که هدف آن منصرف کردن شرکتیهای خارجی در سرمایه گذاری در طرحهای نفت و گاز در ایران و لیبی است را تصویب کرد. کنت تیمرمن ناشر یک ماهنامه در مورد ایران در گفتگویی با افسر نظامی خبرنگار بخش فارسی رادیو آمریکا جزئیات بیشتری را در این زمینه شرح داده است. تیمرمن می گوید در لایحه پیشنهادی اقدامات زیادی پیش بینی شده است که پس از تصویب کمیته روابط بین المللی مجلس نمایندگان دو کمیته دیگر این مجلس باید آن را از تصویب بگذرانند. سپس در کنفرانس مجلسین سنا و نمایندگان طرح شود. به عقیده تیمرمن این لایحه پس از دو ماه به صورت قانون درخواهد آمد.

رادیو آمریکا

تروریسم در مصر

روز پنجشنبه ۳۰ فروردین تروریستهای اسلامی عده ای از توریستهای یونانی را در مقابل یک هتل در قاهره به گلوله بستند و تعداد زیادی از آنان را به قتل رساندند.

بمباران مقر ملل متحد

روز پنجشنبه ۳۰ فروردین هواپیماهای اسرائیل در ادامه بمباران مناطق غیر نظامی و پایگاههای حزب الله، یک مقر ملل متحد در لبنان را بمباران کرده و تعداد زیادی افراد غیر نظامی را کشته و زخمی نمودند. این اقدام دولت اسرائیل با موجی از محکومیت روبرو شد.

رشدی و رژیم ایران

خبرگزاری فرانسه روز ۲۶ فروردین گزارش نمود که "سازمان تبلیغات اسلامی در ایران اعلام کرد، به زودی فیلمی در باره زندگی سلمان رشدی به نام "مرگ تدریجی" پس از دو سال تلاش بخش هنری این سازمان نمایش داده خواهد شد. سناریو این فیلم راجع به شرایط روانی رشدی پس از مخفی شدنش است. سازمان تبلیغات اسلامی امیدوار است فیلم برداری این فیلم امسال آغاز شود، چرا که مبالغ هنگفتی برای نوشتن سناریو آن، تا به حال صرف شده است."

برخی از رویدادهای تاریخی

بقیه از صفحه ۱۶

رساندن محمدتقی اقدام دوست، علی بلندی، هرمز نیک راه، سبز علی محمدپور، محمدتقی محبوب کار ۱۳۳۷/۲/۲۱ - شهادت انقلابی دلیر، خسرو روزبه

۱۳۳۸/۲/۱۵ - درگذشت شاعر مبارز محمدعلی افراشته

۱۳۴۰/۲/۱۲ - اعتصاب معلمان ایران و شهادت دکتر خانعلی (روز معلم)

۱۳۴۷/۲/۱۲ - شهادت انقلابیون قهرمان، کاک اسماعیل شریف زاده و یارانش کاک حسین رحمانی، کاک علی عبدالله کول در مبارزه علیه رژیم محمدرضا شاه در کردستان ایران

۱۳۴۷/۲/۱۵ - شهادت فرزند قهرمان خلق کرد، سلیمان معینی و هرمزش خلیل شه وباش به دستور ملامصطفی بارزانی

۱۳۴۷/۲/۱۹ - شهادت شاعر مبارز و مردمی خلق کرد ملامحمد شلماشی (ملا آواره)

۱۳۵۰/۲/۸ - سرکوب اعتصاب و تظاهرات کارگران کارخانه جهان چیت توسط مزدوران رژیم محمدرضا شاه و شهادت سه کارگر قهرمان وجیه الله چشم افروز، حسن نیکوکار و علی کارگر. سرکوب کارگران منجر به زخمی شدن ۱۴ کارگر این کارخانه گردید.

۱۳۵۴/۲/۱۶ - به شهادت رسیدن مجاهد خلق مجید شریف واقفی به دست رهبران جریان آناشیمستی پیکار

۱۳۵۸/۲/۶ - دستگیری مجاهد خلق رضا سعادت

۱۳۵۸/۲/۷ - راهپیمایی در تهران به دعوت مادران مجاهد خلق با شرکت ۱۵۰ هزار نفر از مردم تهران

۱۳۵۸/۲/۱۱ - تظاهرات بزرگ اول ماه مه در تهران به دعوت کمیته هماهنگی تظاهرات اول ماه مه

۱۳۵۸/۲/۱۲ - ترور آخوند مطهری توسط گروه فرقان

۱۳۵۸/۲/۲۵ - کارکنان حزب اللهی مؤسسه کیهان با همکاری چماقداران مانع ورود اعضای هیئت تحریریه روزنامه کیهان به این مؤسسه شدند. از آن پس روزنامه کیهان زیر کنترل کامل رژیم خمینی درآمد.

۱۳۵۹/۲/۱ - سرکوب جنبش دانشجویی توسط رژیم خمینی با طراحی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی"

۱۳۵۹/۲/۱۴ - شهادت سیاوش شمس یکی از پرسنل مردمی ارتش به دست چماقداران و مزدوران خمینی در اصفهان

۱۳۶۰/۲/۳۰ - شهادت یکی از مادران مجاهد خلق به نام سکینه چاقوساز در اثر ضرب و شتم چماقداران خمینی

۱۳۶۱/۲/۱۲ - شهادت مجاهدین قهرمان، محمدضابطی، نصرت رضائی، قاسم باقرزاده، حمید جلال زاده، سوسن میرزایی، پری یوسفی، زکیه محدث، احمد کلاهدوز، هادی توانائیان فرد، حسین امیریناهی، اقدس تقوی، امیرآق بابا

۱۳۶۱/۲/۲۶ - شهادت مادر قهرمان مجاهد خلق، عالییه بازرگان و جمعی دیگر از رزمندگان مجاهد خلق

۱۳۶۱/۲/۲۷ - شهادت ۱۰ تن از کارمندان رادیو و تلویزیون ایران به جرم حمایت از مجاهدین خلق ایران

۱۳۶۱/۲/۲۸ - شهادت مبارز قهرمان کاک عبدالله بهرامی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران و جمعی دیگر از همزمانش

۱۳۷۳/۲/۲۹ - آغاز انتشار هفته نامه ایران زمین

پاسخ به نامه های رسیده

آقای جعفر از کانادا در نامه شان ضمن درخواست نشریه نبردخلق، موضع ما را نسبت به مقاله سناریو سیاه، سناریو سفید نوشته آقای منصور حکمت، جوپا شده اند به این دوست گرامی توصیه می کنیم مقاله رفیق منصور امان در نبردخلق شماره ۱۱۵ که به این مسئله برخورد کرده است را بخوانید. در ضمن نشریه شماره ۱۳۰ همراه با فرم آبونمان برای شما ارسال شد.

آقای محمد کاشف از زندان اخراجیها در وین، نامه محبت آمیز شما را دریافت کردیم. امیدواریم مشکل شما هرچه زودتر حل شود.

رفیق شهرام ۱۰۰ دلار کمک مالی شما رسید.

از دوستان و رفقای بسیاری با ارسال کارت تبریک به مناسبت سال جدید، دست اندرکاران نشریه مورد لطف و محبت قرار داده اند. با تشکر از محبتهای این دوستان امیدواریم که سال جدید سال پیروزی و موفقیت برای همه دوستداران آزادی مردم ایران باشد.

انجمن فرهنگی نبرد در هلند، کمک مالی شما در چند نوبت، در مجموع ۴۲۵ گیلدن رسید.

آقای عباس آزادی نامه شما رسید. بدین وسیله از ابراز لطف شما تشکر می کنیم.

روزهای تاریخی

اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت - روز همبستگی بین المللی کارگران
۱۲ اردیبهشت - روز معلم

خارجی از ۲۱ آوریل تا ۲۱ مه

۲۳ / آوریل / ۱۶۱۶ - درگذشت ویلیام شکسپیر نمایش نامه نویس مشهور و نویسنده برجسته انگلیسی در سن ۶۲ سالگی. روز تولد این نویسنده نیز ۲۳ آوریل است.

۵ / مه / ۱۸۱۸ - تولد بزرگ ترین اندیشمند تاریخ معاصر و پایه گذار سوسیالیسم علمی، کارل مارکس
۲۲ / آوریل / ۱۸۷۰ - تولد لنین رهبر کبیر انقلاب اکتبر در روسیه

۷ / مه / ۱۸۷۸ - الفردنوبل شیمی دان سوئدی موفق به اختراع ماده منفجره تیری نیتروگلیسرین (دینامیت) شد.

۱ / مه / ۱۸۸۶ - قیام کارگران شهر شیکاگو در آمریکا زیر شعار "۸ ساعت کار روزانه" و سرکوب قیام کنندگان

۱ / مه / ۱۸۸۹ - "کنگره بین المللی کارگران" سه سال پس از به خون کشیده شدن تظاهرات کارگران شیکاگو تصمیم گرفت روز اول ماه مه به عنوان روز کارگر نامگذاری شود.

۱۹ / آوریل / ۱۸۹۰ - تولد هوشی مین رهبر فقید مردم ویتنام

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
organization of Iranian People's Fedaiian Guerillas
Executive Editor : Zinat Mirhashemi
Published by:
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 131 20 . April . 1996

NABARD
Post fach 102001
50460 Kohn
GERMANY

HOVIAT
P.O Box , 1722
Chantilly , VA
22022 U.S.A

NABARD
P.O. Box 56525
Shermanoaks, CA
91413 U.S.A

NABARD
Post fach 121
1061 Wien
AUSTRIA

NABARD
Casella Postale 307
65100 Pescara
ITALIA

NABARD
P.O. Box 15 Toronto
Ont. M 5S 2Sg
CANADA

Price: 7 F Fr 2 DM 1/5 \$ US

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مدیر مسئول : زینت میرهاشمی
چاپ : انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE

FAX: 1-714-2629344 U.S.A

فرم اشتراک نبرد خلق

Name:.....

Address:.....

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

۷۵ فرانک فرانسه

۱۸ دلار آمریکا

۷ فرانک فرانسه

اروپا

آمریکا و کانادا

تک شماره

حساب بانکی سازمان

SOCIETE GENERAL
BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE

03760

00050097851

Mme. Talat R.T

نام بانک :

آدرس بانک

کد گیشه :

شماره حساب :

نام صاحب حساب :

زنان

زنان کویتی برای مبارزه با حذف آنها از زندگی سیاسی متحد می شوند

خبرگزاری فرانسه روز ۲/فروردین امسال اعلام نمود که: " زنان کویتی حرکت‌های سمبلیک و میانه روانه بی را، چند ماه مانده به انتخابات مجلس این کشور آغاز کرده اند.

ثریا باکسامی نویسنده و نقاش می گوید: " کسانی در پشت دین ما را از حق رأی دادن و حق انتخاب شدن محروم می کنند. ما می گوئیم که زنان کویت کمتر از زنان ایران. یا زنان الجزایر که مانند مردان رأی می دهند مسلمان نیستید". وی گفت ما تصمیم داریم تا آخر برویم، و "لابی اسلامیست‌های پارلمان را" افشاء کنیم.

دیروز بیش از ده تن از زنان کویت در یک اقدام، تصمیم گرفتند به شهرداری مراجعه کرده و برای انتخابات اکتبر ثبت نام کنند، اما این اقدام موفقیتی در بر نداشت.

لولوا القداسی، یک مبارز حقوق بشر گفت "مدت سی سال است که برای به دست آوردن حقوق سیاسی مبارزه می کنیم، اما هنوز هم از قانونی که ما را از شرکت در انتخابات حذف می کند، رنج می بریم".

برای ثریا و لولوا، مبارزه علیه حذف بیش از یک آغاز نیست. آنها می گویند، " ما از این قانون که ناقض قانون اساسی است، سپاسگزار نیستیم" به عقیده آنها این نظر "همه زنان کویتی ها است". در ۱۲ مارس، حدود ۴۰ تن از روشنفکران در حمایت از حق رأی، در زیر نگاه عجیب عابران و تحت اسکورت پلیس، در مقابل پارلمان ۵۰ نفره که در سال ۱۹۹۲ انتخاب شدند و اسلامی ها در آن برتری یافتند، دست به تظاهرات زدند.

فریال الفریحی معاون انجمن فرهنگی زنان کویت (قدیمی ترین انجمن) می گوید: "ما پیش بینی می کردیم که با تعدادی از نمایندگان اسلامی و سایر نیروهای سیاسی در مجلس، ملاقات کنیم تا از حمایت آنها برخوردار شویم".

فعالین فمینیست از قانون اساسی، که در آن قید شده "تمام شهروندان بدون تبعیض جنسی، قومی، زبان و مذهب حق شرکت دارند حمایت می کند".

قانون انتخابات، تنها حکومت سلطنتی حوزه خلیج (فارس) که دارای پارلمان است، زنان را که زندگی اجتماعی و فرهنگی خیلی فعال هستند. این تظاهرات که زیر پوشش جراید قرار گرفت، هیچ انعکاسی نزد نمایندگان، نه هنگام خروج از سالن و نه هنگام بحث‌های سیاسی با آنان نداشت.

سعودی یکی از افراد تالار مجلس می گوید "اینها یک عده فمینیست‌های بداخلاق هستند که بی خودی سر و دست تکان می دهند. زن حقوقش را کسب کرده است. آنها در ادارات پست‌های بالایی دارند. جایشان در مجلس نیست".

یکی از نمایندگان اسلامیست که می خواست نامش فاش نشود گفت، مجلس کارهای مقدم تری دارد، شرایط اقتصادی، وضعیت مهاجرین غیر

کویتی، تهدیدات خارجی، اینها در اولویت نمایندگان قرار دارند.

خانم راشا الصباح معاون رئیس آموزش عالی از حذف زنان در پارلمان به شدت اعتراض می کند و می گوید "براساس کدام قانون ۵۰ درصد جامعه کویتی را حذف کرده اند".

در ژوئن گذشته برای اولین بار حق رأی زنان توسط کمیسیون پارلمانی به تصویب رسید ولی به هیچ وجه دنبال نشد، و هیچ توضیحی هم داده نمی شود.

یک استاد دانشگاه که نمی خواهد نامش فاش شود می گوید "بدون شرکت زنان که ۶۵ درصد فارغ التحصیلان را تشکیل می دهند، زندگی دموکراتیک در پارلمان و در صحنه کویت وجود ندارد".

به گفته وزیر کشور حدود ۱۰۰ هزار رأی دهنده برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرده اند. انتخابات پارلمان کویت اولین بار در سال ۱۹۸۶ و برای دومین بار در سال ۱۹۹۲ بعد از جنگ خلیج فارس برگزار گردید".

قانون جدید سقط جنین در آمریکا

رادیو فرانسه در برنامه روز ۹ فروردین می گوید، کنگره ایالات متحده شب گذشته قانون مربوط به محدود کردن دامنه آزادی سقط جنین در این کشور را تصویب کرد. با این که این قانون موارد بسیاری از سقط جنین را در ماه‌های آخرین بارداری شامل می شود، ولی در بحبوحه مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، رئیس جمهوری دموکرات کنونی را در محذور قرار خواهد داد. زیرا علیرغم حمایت بخش وسیعی از افکار عمومی از این لایحه، وی اعلام داشته است که آن را وتو خواهد کرد".

۴۲ سال سن و ۲۵ فرزند

امروز چهارشنبه مطبوعات گزارش کردند، یک زن ایرانی که در سن ۹ سالگی ازدواج کرده و امروز ۴۲ سال دارد، تاکنون ۱۳ پسر و ۱۲ دختر زایمان کرده است. سه دختر زهرا، به دنبال بیماری که به آن مبتلا شدند درگذشتند، اما سایر بچه ها در قید حیات و در مزرعه، واقع در روستای جان آباد در استان لرستان، کمک کار والدین خود هستند".

خبرگزاری فرانسه ۱۵/فروردین/۷۵

نامه ای از ایران

در اینجا مردم به دلیل گران شدن سوخت، روغن اتومبیل و دیگر فرآورده های شرکت نفت و به تبع آن تورم فزاینده در جامعه در شرایط بسیار مشکلی زندگی را سپری می کنند و می گویند پس از انتخابات دور دوم نرخ کالاها و دلار حداقل ۲۰ درصد دیگر بیشتر خواهد شد. تعدادی از افرادی که در انتخابات دور اول شرکت کرده بودند می گویند تحت هیچ شرایطی حاضر به شرکت در این دوره نمی باشند. رژیم تمام توان تبلیغاتی خود را برای بردن مردم به پای صندوقها بسیج کرده است، در بازار برخی کسبه کالاهایی را که از دبی و یا کیش به تهران آورده می شوند با ریال معامله نمی کنند و مبنای محاسبه و وجه دریافتی دلار است.

در برابر تندر می استند خانه را روشن می کنند و می میرند



شهادت فدایی اردیبهشت ماه

رفقای فدایی: شیرین فضیلت کلام - هادی فرجاد پزشکی - عبدالله پنجه شاهی - علی اکبر (فریدون) جعفری - مرضیه احمدی اسکویی - هیبت الله بهرامی - کاظم سعادت - خلیل سلمانی نژاد - محمود نمازی - لادن آل آقا - مهرنوش حاتمی - محمدرضا و احمدرضا قنبرپور - فرزاد دادگر - عزت غروی - ارژنگ و ناصر شایگان شام اسی - فرهاد صدیقی پاشاسکی - قربانعلی رزگاری - جهانگیر باقربور - رضا نعمتی - بهروز ارمغانی - اسماعیل عابدی - زهره مدیر شانه چی - حسین فاطمی - میترا بلبل صفت - علیرضا باصری - نسرین پنجه شاهی - حبیب الله مومنی - منصور فرشیدی - محمود خرم آبادی - مصطفی حسن پور اصلیل - فریده غروی و مقصود بیرام زاده از سال ۵۰ تا کنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی اردیبهشت ماه

۱۲۷۰/۲/۲۵ - لغو امتیاز تنباکو به دنبال اعتراضات مردمی و تحریم استفاده از تنباکو توسط آیت الله میرزا حسن شیرازی
۱۲۸۵/۲/۲۹ - تولد دکتر محمد مصدق
۱۲۹۶/۲/۲۳ - تشکیل حزب عدالت ایران
۱۲۹۹/۲/۱۱ - انجام نخستین نمایش کارگری در ایران به مناسبت اول ماه مه (در شهر تهران) به ابتکار شورای مرکزی اتحادیه کارگران که از ۱۵ اتحادیه تشکیل می شد.
۱۳۰۸/۲/۱۴ - اعتصاب سه روزه نفتگران جنوب تحت رهبری حزب کمونیست ایران و تظاهرات ۲۰ هزار نفری مردم در حمایت از اعتصاب نفتگران
۱۳۱۰/۲/۱۰ - اعتصاب کارگران کارخانه نساجی وطن در تهران
۱۳۱۶/۲/۸ - بازداشت گروه ۵۳ نفر توسط رژیم سلطنتی رضا خان
۱۳۱۹/۲/۴ - نخستین ایستگاه رادیویی ایران در ساعت ۶ بعد از ظهر رسماً آغاز به کار کرد.
۱۳۲۳/۲/۱۱ - تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران
۱۳۲۵/۲/۲۰ - اعتصاب ۱۰ هزار نفری نفتگران آغاچاری
۱۳۳۰/۲/۲ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و اعلام حکومت نظامی در منطقه جنوب از طرف رژیم محمد رضا شاه
۱۳۳۰/۲/۹ - تصویب قانون "خلع ید" از شرکت نفت انگلیس در مجلس و تشکیل دولت مترقی دکتر مصدق
۱۳۳۲/۲/۶ - شهادت افشار طوس رئیس شهرداری دولت دکتر مصدق به دست ایادی ارتجاع و دربار پهلوی
۱۳۳۳/۲/۱۸ - شهادت انقلابی دلیر وارطان سلاخیان (نازلی) در زیر شکنجه های دژخیمان رژیم محمدرضا شاه
۱۳۳۳/۲/۲۲ - کشتار جمعی زندانیان سیاسی زندان رشت به وسیله مزدوران رژیم محمدرضا شاه و به شهادت بقیه در صفحه ۱۵